

# گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

صفحات ۲ تا ۱۰

به پیروی از رهنمود امام خمینی

## محروران را دریابید!

گروهی از کودتاییان و ساکنان جنوب شهر تهران، روز ۱۶ فروردین ۶۰ با امام خمینی، میعاد داشتند. این مشتاقان از خروار، با کوله‌باری از زنجبای گران، اما چهره‌ای مژر به نور ایمان به انقلاب و بیروزی خلق، به میعادگاه، که خانه بی‌بیرایش امام خمینی بود، شتافتند. سخنان امام خمینی خطاب به آنان تجلیل صمیمانه‌ای بود از مشارکت پرانبار طبقه محروم و مستضعفان کمینته خود را امام سربهای آنتین دشمن کرد و بایسکر بی‌جان خود، سنگلاخ بیروزی را هموار ساخت. امام خمینی خطاب به این محرومان گفتند: دشما بودید که در میدانها، در خیابانها اجتناب کردید و با پشت گره‌کرده در مقابل توب و تانک و مسلسل ایستادید و با ایستادگی و شجاعت، زن و مرد شما، بزرگ و کوچک شما، فداکاری کردو شهید داد تا غلبه کرده.

امام خمینی با ستایش غرور آمیز از نقش مردم مستضعف، یعنی کارگر و دهقان و پیشه‌ور و روشنگر زحمتکش، که خون خود را دلیقه بیروزی قرار دادند، به فداکاری آنان در دوران پس از بیروزی نیز اشاره کردند و گفتند:

«آنان هم که در چپه‌ها جنگ هست، باز این طبقه محرومند که مشغول خدمت هستند.»

امام خمینی در سخنان خود حساب کائناتین را از مردم کوخنتین اینبار که جدا کردند و با اشاره تلخ به نقش خدمه آمیز کائناتین گفتند:

«آن کائناتینها یکشاه خدمت در این جنگ نکردند و نخواهند کرد. آنها اگر مشغول فساد و فساد باشند، بر تقاوت هستند.»

امام خمینی این بار نیز چون هر بار، با بیانی ساده و روشن نشان دادند که فقر و گرسنگی و غریبی و بیسوادگی که نصیب محرومان جامعه است، حاصل غارت مستکبران و بهره‌کشی آنان از طبقات و اقتدار مستضعفان است:

«شما این انقلاب را به نفع رساندید و گروههایی که در سرتاسر کشور این انقلاب را به نفع رسانیدند، همان‌ن و مرد محروم و هائیهالی که مستضعف هستند و کائناتین آنها را مستضعف میکنند.»

سخنان مهم و دلنشین امام خمینی نزد دولتران، مسئولان و ارباب مطبوعات، با تابی مملو و یافت و آنرا رهنمودی پس مسم و جلوه مردی خط امام خمینی دانستند. این تائیدی است در لفظ بر خط امام خمینی، اما تائیدی عملی آن، که مهتر است، بمعنی آنستکه باید به راه رفت که امام خمینی نشان داده‌اند. امام خمینی با سخنان خود چارچوب برنامه کار نهادهای دولتی و انقلابی را در بهترین

بینه در صفحه ۲

## سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های سیاسی و نظامی آمریکا باید فدا دهد فمند و فعال باشد

تزدیدی نمیتوان داشت که پس از بیروزی انقلاب شکوهند مردم ایران، که موجب از دست رفتن بسزاترین و مهمترین پایگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم امریکادر این منطقه گردید، تمام فعالیتها سیاسی و نظامی آمریکا برای بسازین گرفتن این پایگاه در این منطقه متحرک شده است. هدف عمده این فعالیتها قبل از هرچیز آنستکه از روند تغییر تقاسب نیروها در این منطقه، که

## حزب توده ایران از اطلاعاتی دادستان کل انقلاب درباره فعالیت احزاب بگری می استقبال میکند

داستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران درباره فعالیت احزاب و گروههای سیاسی اطلاعیه مهمی انتشار داده، که مورد تأیید کامل حزب توده ایران و کلیه عناصر و سازمانهای مؤمن به انقلاب است. مسأله از آنجهت اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای مورخ ۹ فروردین ۶۰ دادستان کل انقلاب را تائید می‌کند که این اطلاعیه چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی

## دلاوریهای خلق در جبهه‌های جنگ

۷ ماه از نبرد قهرمانانه خلق ما در جبهه‌های نبرد می‌گذرد. ۷ ماه است که زحمتکشان قهرمان ایران از خون خویش، حماسه می‌آفرینند. ۷ ماه است که خلق قهرمان ایران بزرگ براف رهایی خویش را با خون رقم می‌زنند. آنچه در «نامه مردم» می‌خوانید لفظانی از شوراها و حماسه نبرد مردم دلاور ایران است، که بر اساس خاطرات رفقای توده‌ای از جبهه‌های نبرد تنظیم شده است. ما از همه رفقای حزبی، هواداران و مردم قهرمان ایران، که شاهد حماسه آفرینی خلق در جبهه‌ها بوده‌اند، تقاضا میکنیم که با ارسال خاطرات خود، ما را یاری کنند.

تخت دراز کشیده‌است، به سفید سفید چشم دوخته، چهره‌اش آفتاب‌سوخته است. رنج و

استعمار گونه جانش را شایسته‌اش کرده است. دستان نیرومندیش خیر از کسی از تاراج‌خستگان

قاجاق ارز ابعاد خطر ناکی گرفته است مراجع می‌کنند و معادله بولید و باخت شده و راه البته با قیمتی گزافتر از نرخ دولتی ارز دریافت میکنند. بقیه «زحمتان» بمحمد باند قاجاق ارز است. این واقع، اکنون در ایران انقلاب، پدیده‌ای عادی و پشمار می‌رود. قاجاق‌چرانان سرمایه‌داران غارتگر، که اگرچه اکثر آنها شناسنامه ایرانی دارند، اما در واقع «دشمنان مفید آمریکایی» چنانکه از نظر نیش در بیست و اقتصاد کشور، نیش می‌زنند و خون آبرویون می‌کشند. متأسفانه

## در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین رزمندگان انقلاب ضربات سنگینی بر تجاوزگران صدامی وارد کردند

در ادامه نبرد رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی، دشمن تلفات سنگینی را در جبهه‌ها متحمل شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ۴۳ خود گوشه‌ای از عملیات این رزمندگان را در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین اعلام کرده است. در ادامه نبرد رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی، دشمن تلفات سنگینی را در جبهه‌ها متحمل شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ۴۳ خود گوشه‌ای از عملیات این رزمندگان را در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین اعلام کرده است.



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۸۳  
شبه ۲۲ فروردین ۱۳۶۰، مطابق با  
۶ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵:۱۵

## یا پیروز به‌نانه برمی‌گردیم یا شهید

همراه امدادگران از خط مقدم جبهه برکنشته بودیم. شب بود و آسمان خورستان هزاران سینه‌دین ستاره بر گسردن داشت. غنر بودیم. هر کدام نسیعاست خشکی گرفتیم و به بیمارستان رفتیم. بیمارستان پس از جرح بسود. مثل هرنب که از جبهه برمی- کشیم، کار بدون وقفه شروع شد. به‌سراغ اولین تخت رفتیم. جوانی که کولوله دشمن چندجای یکترش رادهم کوبیده روی

## خبرگزاری هندی «پرس اینتر نیشنال» فاش میکند: از پایگاه‌های چین در پاکستان برای گروهکهای مائوئیستی در ایران اسلحه فرستاده می‌شود

خبرگزاری هندی «پرس اینتر نیشنال» خبر میدهد که متدهای از جلموسان چینی، که زیر نام «دیلومات» به ایران آمده‌اند، اقدامات گسترده‌ای در جهت متحد کردن گروهکهای مائوئیستی - آمریکایی در ایران آغاز کرده‌اند. در این گزارش آمده است: «به بیشتر این گروهکها، که در دوران شاه و با همکاری ساواک پدید آمده‌اند، اکنون ازسوی یکن ماموریت داده شده است تا در سازمانها و ادارات دولتی رخنه کنند و در کانهای ارتشی به تبلیغ بپردازند.» «پرس اینتر نیشنال» می‌آزاید: «برای ایقان (گروهک‌های مائوئیستی) از پایگاههای نظامی چین در پاکستان اسلحه و مهمات جنگی و نثریات آشوب‌آفرین فرستاده می‌شود.» بگزارش خبرگزاری هندی: «اطلاعات موجود حاکی از آنست که عناصر مائوئیستی در ایران به فعالیت‌های جاسوسی بسود یکن می‌پردازند و در این چارچوب، به گردآوری اسناد اطلاعاتی درباره وضع داخلی، اقتصادی و نیروهای مسلح کشور مشغولند.»

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# خطر اینجاست

## سینماهای کشور را از سیطره فرهنگ منحط امپریالیستی برهانید

آقای مهدی کلهر، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در یک گفتگو با روزنامه اطلاعات، در مورد ضوابط جدید ورود و بختی فیلمهای خارجی و طرح احیای صنعت سینمای ایران، از جمله گفت:

«تقویت تولید داخلی بانکبر این نکته که در آینده گروهی بنام دلال فیلم خارجی و واردکننده فیلم خارجی جدای از تولید داخلی نتوانیم داشت، بلکه دولت خود فیلمهای مناسب خارجی را شناسایی کرده و جهت استفاده آنها راه تولیدکنندگان فیلم داخلی معرفی می کند.»

«نکته دیگر مساله سینماهای سراسر کشور است که در اختیار بخش خصوصی است و طبق قانون فعلی آنها خود فیلمهای نمایشی را انتخاب می کنند. در طرح پیشنهادی وزارتخانه، دولت نظارت بر اکران فیلمهای نمایشی را برعهده خواهد گرفت.»

آقای کلهر در مورد ضوابط واردات فیلمهای خارجی در سال جدید، گفت:

«امیدوار هستیم جیت خالی را برای دیدن فیلمهای خارجی بخصوص فیلمهای جهان سوم و کشورهای انقلابی به خارج از کشور اعزام کنیم، چرا که معتقدیم مردم مسلمان ما در تمام نقاط کشور باید با کلیه فرهنگهای ارزشمند جهان از طریق این وسیله، یعنی سینما ارتباط برقرار کنند.»

تصمیمات اعلام شده توسط معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در صورت عملی شدن کام بزرگی در راه پایان بخشیدن به تسلط فرهنگ منحط امپریالیستی بر سینماهای کشور و آشنا کردن مردم انقلابی ایران با فرهنگ انقلابی و شرقی و انسان ساز جوامع و ملل انقلابی است.

دلاخواه و عوامل بخش خصوصی، که درسی کسب سود، سینماهای کشور را یکی از عرصه های مهم تبلیغ و آموزش فرهنگ را، به جلوانگانه فیلمهای مبتذل و منحط کشورهای سرمایه داری امپریالیستی، بویژه آمریکائی بدل کرده اند، در واقع این عرصه را از روح انقلاب بزرگ فداه برپالیستی و مردمی، سبی می سازند. برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در اجرای این تصمیم انقلابی و مردمی، آرزوی موفقیت داریم.

## اتحاد، رمز پیروزی دایه امپریالیسم است

قذافی، رهبر ملی روزجهازشبه از کشورهای ضسو چپه یادیاری و جنبش ملی لبنان دعوت کرد که چپه واحدی برای مبارزه بسا توطئه های اسرائیل و مزدوران وی، چون سرگرد سعد حداد در لبنان، بوجود آورند.

سرهنگ قذافی همچنین از سایر جنبشهای انقلابی خواست که در این بسج علیه توطئه های امپریالیسم و سبویزیسم شرکت کنند.

پیشنهادی رهبر لبی انقلابی، شایان توجه بسیار است. در حالیکه امپریالیسم آمریکا و کلیه نیروهای مرتجع، سبوسرمدی و اسلامی ایران است، با سبج متحدند.

## قاچاقچیان افغانی با قاچاق هروئین «به مبارزه» ادامه میدهند

در خبرها بود که ۱۴ کیلو هروئین را ۶ قاچاقی افغانی توسط ماموران اداره مبارزه با مواد مخدر شهرداریهای مشهد و تایباد، بدست آمده است و قاچاقچیان دستگیر شده اند. قاچاق مواد مخدر توسط افغانیهای قاچاقچی که در خاک ایران بویژه در ناحیه خراسان زندگی می کنند، واقع تازه ای نیست. هر چند یکبار، گروهی از این قاچاقچیان که خود را زیر پوشش «اسلام خواهی» پنهان ساخته اند، در فلان یا بهمان نقطه تنگنا قاچاق هروئین، تریاک، اسلحه، ارز و پول دستگیر میشوند. خبر سرقت و جنایت این «مبارزان» افغانی نیز از جمله اخبار عادی و همینگی را تشکیل میدهد.

هر روز برای مردم ایران این واقعیت بیشتر آشکار میشود که باندته افغانی که ندای عدالتخواهی و «اسلام دوستی» را سر داده اند، جز باندتهای جنایتکار، فاسد و زود نیستند، جز در خدمت دشمنان توطئه گر انقلاب ایران قرار ندارند و به «مبارزه ای» جز قاچاق ارز و اسلحه و هروئین اشتغال ندارند.

مقبوم «مبارزه» قاچاقچیان افغانی و داسلم، مورد اعتقاد آنها، هر روز آشکارتر میشود. بیبرده نیست که امپریالیسم آمریکا و انگلیس، مصر و پاکستان و چین و دیگر رژیمهای جنایتکار و فاسد، با تمام قوا این «مبارزان» افغانی را می ستایند و از هیچ کسب برای ادامه «مبارزه» آنان که علیه انقلابهای ایران و افغانستان است، دریغ نمی ورزند.

## دلایریهای خلق...

پتیله از صفحه ۱

حمله کرد، پدرم، که کشاورز پیری است، به من گفت:

«تو جوانی، باید بروی صف اول جبهه. منم پشت جبهه می جنگم. کاش زودتر شستم و همراه تو می آمدم. باید بروی و از انقلاب دفاع کنی. این انقلاب ماست.»

روز بعد راه افتادم. وقتی پدرم مرا از زیر قرآن معجزه زد، گفتم:

«پسر تا جنگ تمام نشده، حق نداری برگردی، حتی اگر زخمی شوی، حق نداری برگردی. با پیروز برمی گردی یا شهید، از انقلاب از خون ماست که زور می گیری و میمانی.»

مجرور جوان باز لبخند می زد. از نگاهش کوفی تصویر پدر زحمتکش و روبروی مزارع آباد می گذرد. ادامه می دهم:

«در این ما رسم است، پدر را مانند دو چشم احترام می گذاریم و روی حرفش حرف نمی زیم. به علاوه من هم حرفهای پدرم را قبول دارم. به جبهه آمدم که با خونم از انقلاب دفاع کنم. حالا هم با پیروز به خانه برمی گردم یا شهید.»

مجرور جوان لبخند روشنی می زد. رویم را برمی گردانم، تا اشکهایم را ببینم.

## می خواهم دشمنان صدای ناله ام را نشنوند

بیمارستان شلوغ است. دشمن شمر را به باران کرده است. دمامد بیکرهای عزیز شهیدان و مجروحان را می آورند. صدای فتح در مرگ همه جا را پر کرده است. من و امدادگران دیگر می روییم، با برزخمی مرهم تهیه و جاسی را نجات دهیم. فرصت سرخاراندن ندارم. نامحسوس کار ادامه پیدا می کند. مدحسوس می شنیم که نفسی تازه کنیم. پاسدار جوانی می آید و سلام می کند. می نشینیم. می گوید:

«خواهر، خسته ای. ممکن است مقداری چسب پانسمان به من بدهید؟»

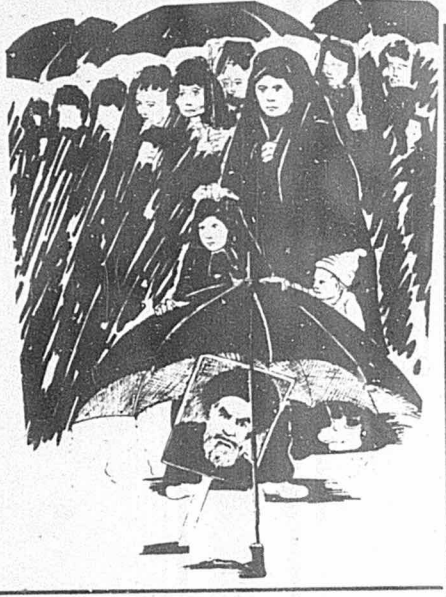
نگاهش می کشم. سالم است. به سراپایش حتی خراش ندارد. خیلی جوان است. مثل کلی که سرحاکان بهار در باغچه شکفته باشند.

تعجب می کنم. می گویم: «شما که سالم هستید، چسب پانسمان برای چه می خواهید؟ برای مجروحی می خواهید؟ نگاهم می کند. چیز شکستی در چشمانش شعله سر کشد. می گوید:

«نه، برای مجروح نمی خواهم. قرار است در تابستان به دشمن شلیخون بزنیم. تعجب بیشتر شد. می پرسیم: «چسب پانسمان می خواهید که اگر در شلیخون مجروح...»

حرفم را می برد. «نه، می خواهم چسب را بدهانم بیسپاسم که، اگر زخمی شدم، دشمن صدای ناله ام را نشنود.»

بزرگوار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!



## مجروران را دریابید!

پتیله از صفحه ۱

مسائل اقتصادی - اجتماعی کشور نشان دادند. نشان دادند که انقلاب باید به کدامین سو حرکت کند: بسوی ایجاد دگرگونی اساسی در زندگی زحمتکشان و نه به راه حفظ منافع کانتینشینان، انقلاب باید به برتنشند و شهید میوه های آن کام کسانی را شیرین کند که، با خون عزیزترین عزیزان خود، درخت پیروزی را آبیاری کردند. انقلاب باید به خانه و کارخانه و کلیه و زائغ آسانی راه یابد که صاحبان واقعی انقلابند، نه آنها که بکنفخام خمینی:

«کارت نشسته بودند و منتظر این بودند که یک طرف غلبه کند و آنها بیایند و بهره برداری کنند، میوه چینی کنند.»

این «میوه چینیان»، این فرستگطلبان که از انقلاب فقط جابجائی شاهین قدرت را از زبلندای کاخ سلطنتی «آریامهر» بر دامن خود می فهمیدند و تسوری از گذران مجروحان جامعه و برهمن زدگی میلیونها کارگر و دهقان نداشتند، برس راه انقلاب ترمز شدند و کوشیدند، و امروز بیش از همیشه می کوشند، که انقلاب را از پیشروی بسوی اهداف عالی خود بازدارند. اینان با هر تصمیمی که اقدام مردمی نهادهای انقلاب، مجلس و دولت، به پنهانی مخالفند.

اسلحات ارضی مسوبه شورای انقلاب را، که باید زمین را از زمین داران بزرگ و فئودالهای بیکر و به دهقان زحمتکش و مجروحان آگدار کنند، برخلاف احکام شرع اسلام میدانند، که دین عدالت است. آنها با اینها زنی و جنایت کفر و انحاد به هواداران اجراء این قانون می نازند، تا منافع زمینداران بزرگ را حفظ کنند. به بیان غریبان، همان راه را ادامه دهنده قبیل از آن «آریامهر» بیمود و سراز دورخ در آورد.

این کانتینشینان به فقط با واگنداری زمین به دهقان مخالفند، بلکه اصولا با هر اقدامی در راه تعدیم مالکیت مخالفت میکنند. با تکیه غلو آمیز بر روی «مدیونیت» و «تخصم»، قصد یکد خود را، که حفظ کارفرمایان طاغوتی است، پنهان میدارند، و گاه حتی پنهان هم نمیکنند آشکارا سرمایه داران فراری را دعوت میکنند که به کشور بازگردند و موسسات تولیدی خود را «داره» کنند، کاری که تزیه ضد انقلاب کرد.

اینان با دولتی کردن بازرگانی خارجی مخالفند، با ایجاد بخش دولتی و تعاونی در توزیع مخالفند، با سرمایه بندی کالاها مخالفند، با نرخ گذاری دولت مخالفند، با دخالت دولت در امور خانه سازی و اجاره مسکن بسود مجروحان جامعه، مخالفند، و در یک کلام، با هر آنچه غارتگری صاحبان سرمایه و پول را محدود سازد و بر آنها تکام بزند، مخالفت میکنند، منتهی نه صریح و بی پرده، بلکه به پنهانی حفظ اصول اسلام، حفظ منافع کشور، حفظ منافع انقلاب و غیره...

آنگون این امام خمینی است که بار دیگر بوجود طبقات مستکبر و مستضعف در جامعه تاکید میکند، بار دیگر مستکبران را عامل استضعاف مجروحان می نامد، بار دیگر کانتینشینان را متزلزل، ترسو، بییکاره، فاسد، بی تفاوت و میوه چینی انقلاب میخواند و کوششیشان را از پایان واقعی انقلاب.

امام خمینی با سخنان عمیق خود در برخورد با کوششیشان جنوب شهر تهران، سنت اساسی حرکت انقلاب را بار دیگر نشان داده اند، و اینک وظیفه مسئولان مملکتی است که اقدامات خود را با این حرکت هماهنگ سازند. آنها وظیفه دارند که در هر کام، هر اقدام و هر تصمیم منافع طبقات مجروح را در نظر داشته باشند، و این نیز بدین است که هر کام، هر اقدام و هر تصمیم بسود طبقات زحمتکش، یعنی کندن خشتی از بنای غارتگری کانتینشینان.

کلاسیک سرمایه داران و بزرگ زمینداران هرگز بیمل خود حتی نیم قدمی عقب نخواهند نشست. اما نباید در عرصه مبارزه با آنان هرگز دچار تردید و تاخیر و گریز شد. باید با اقدامات انقلابی بسود زحمتکشان، مواضع آنها را درهم کوبید و امکان غارتگری و بزرگ زمینداران بوقع از اینکه قدرت اقتصادی بزرگی کسبده نشوند، با این اهرم به کل انقلاب هجوم خواهند برد. باید دست این غارتگران و استثمارگران را از کمر مجروح زحمتکشان و مجروحان کوتاه ساخت، تا راه برای بهره گرفتن زحمتکشان از نمرات انقلاب گشوده گردد.



### گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

### تربیت حاکمیت در مرحله نوزین (۱) از لحاظ پایگاه طبقاتی

عناصر حاکمیت کتود به طور عمدی میزبانند از نهادها قانونی شامل مقام رهبری، رئیس جمهور، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی قضایی، دولت، شورای نگهبان قانون اساسی، سپاه پاسداران و نهاد های انقلاب یعنی دادگاه های انقلاب، کمیته های انقلاب، جبهه سازندگان، بنیاد مستضعفان و غیره. تربیت طبقاتی این نهادها به طور عمد مخلوطی است از طبقاتیست که نمایندگان اقتدار گوناگون مردمی تا نمایندگان بورژوازی لیبرال. ولی تفاوت محتوای تربیت حاکمیت کتود با تربیت دوران پیش از انتخاب نهاد های قانونی، در وزن مخصوص جناح های مختلف این طبقه در حاکمیت است. اگر در دوران دولت موقت و فعالیت شورای انقلاب و دولت پیش از دولت کتود، نمایندگان بورژوازی لیبرال وزن مستحکم را در حاکمیت دولتی تشکیل می دادند، در حاکمیت کتود این وزن به میزان قابل توجهی سلب شده است. تربیت اکثریت مجلس و ترکیب دولت کتود بیان گر آن است که وزن نمایندگان اقتدار گوناگون مردمی در حاکمیت قانونی سلب شده است. سمت گیری اقدامات این حاکمیت هم، در جهت زمینه ها یعنی هم در سیاست داخلی، هم در سیاست اقتصادی و هم در سیاست خارجی بیانگر این واقعیت است که وزن سرمایه داری لیبرال که تا نامیرایی خود در جهت سازش با امپریالیسم آمریکا، مخالفت با هر گونه محدودیت در زمینه های فزاینده بزرگ مالکان و سرمایه داران عمل می کند، در این حاکمیت کتود، نقش موثری فسخ کننده خود را تاحدی از دست داده است.

در نهاد های انقلابی، یعنی دادگاه های انقلاب، کمیته های انقلاب و سپاه پاسداران، این تقسیم قدرت بازم به پشت بسود نمایندگان و وابستگان به جناح مردمی است. البته این به آن معنا نیست که وابستگان به سرمایه داری لیبرال، بزرگ مالکان و حتی عناصر وابسته به ضد انقلاب سازمان یافته در این نهادها، ریشه کن شده و حضور ندارند. برعکس با کامل شدن پذیرفتن از این عناصر ضد انقلاب و سازشکاران در این نهادها نفوذ کرده و با ماسک ویا تروری، در ظاهر به آزادی گیری مذهبی، ستیز با هر گونه خواست به حق و زدها و هر گونه افکار آزدانستانه مترقی و پیشرو، در جهت ایجاد نارضایتی در میان مردم و تحریک، تشنج و بی ثباتی عمل می کنند.

### ۲. از لحاظ موضع گیری سیاسی و اجتماعی

از این دیدگاه در بخش موثر و تعیین کننده حاکمیت کتود یعنی اکثریت مجلس شورای اسلامی، دولت و شورای عالی قضایی، دادگاه های انقلاب، کمیته ها و سپاه پاسداران، اکثریت متعین مشخص است که یا خصیصه های انحصار طلب، واقع بین و روشن بین می توان آن ها را تعریف کرد. جناح انحصار طلب حاکمیت که خصیصه آن عبارت است از افراطی گری، استعاض از به رسمیت شناختن هر گونه حق برای دگراندیشان - حتی حق دفاع از منب، حق انتخاب سفلا، و در برآورد با کامل تاسف نه چندان نادر حق زندگی کردن - هنوز نیرومند است و با ایجاد جو فشار، مجموعه اقدامات حاکمیت را تحت تاثیر موضع گیری های زیانبار خود که موجب ناتوانی کردن جنبه پایداری در برابر دشمنان انقلاب می گردد، قرار می دهد.

نمونه بارز روش این جناح که به بصورت حمله گروه های فشار به مراکز فکلیتی حزب توده ایران، جزئی است که تمام فعالیتش در جهت پشتیبانی از انقلاب و جمهوری است. مشاهده شد و اتفاق افتاد که موثر حاکمیت در مقابل افعال غیرقانونی این قشر، در فشارهای بازناب می یابد که اکنون بیش از ۸ ماه است به حزب ما وارد می آید و از دادن مراکز حزب خوداری می شود، در حالی که این فشارها قانون اساسی که مورد پذیرش حاکمیت است مبیانت آشکار دارد.

ولی آنچه می تواند بعنوان دیده امی بدین بخش در نظر گرفته شود، این است که در جریان برخورد حاکمیت با دشواری های گوناگون زندگی روزمره، در رودر روی با نوبله های

برخوردار بود، به عنوان زین این حاکمیت جدید انقلابی مورد تأیید مردم قرار گرفت.

بایروری تاریخی نیروهای انقلابی بر باقی مانده های سرسخت نیروهای ضد انقلاب در ۲۲ بهمن، نظام دولتی جدید بر آمده از انقلاب به بصورت دولت موقت از یکسو و نهاد های انقلابی یعنی شورای انقلاب، کمیته ها و دادگاه های انقلابی که زادگاه سپاه پاسداران انقلاب شد، مستقر گردید.

پایگاه طبقاتی این حاکمیت جدید در دوران اولیه اش تمام جنبه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بود و در دست به علت همین پایگاه طبقاتی از همان اولین روزهای استقرار حاکمیت جدید دوگرایش کاملاً مشخص در درون آن پدیدار گردید:

از یکسو دولت موقت که تقریباً یکپارچه درست نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال ایران بود و از سوی دیگر جناح مردمی حاکمیت که مورد اعتماد و تأیید جناح مردمی جنبه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد استبدادی یعنی نیروهای قرار گرفتند که علاوه بر برانداختن استبداد، خواستار استقلال همه جانبه و دگرگونی های اجتماعی به سود محرومان بودند. نبرد برای تعیین سمت گیری انقلاب میان این دو گرایش آغاز گردید و هر روز شدیدتر شد.

در مرحله اول، این مبارزه در حاکمیت، به طور عمد دور مسئله مناسبات با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا متمرکز می شد. سمت گیری و عملکرد جناح لیبرال، یعنی دولت نماینده بورژوازی لیبرال و لیبرال های حق که در نهاد های انقلابی جای گرفته بودند، درخشان ساز با امپریالیسم آمریکا، نگاهداری نظام سرمایه داری و بزرگ مالکی، سازش با کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته، کوشش برای بازگرداندن مالکان و سرمایه داران فراری و عفو جناحکاران بازدان شده و نایب آزادی های لیبرال، برای وابستگان به امپریالیسم و موضع گیری دشمنانه و آشتی ناپذیر علیه بیرون سوسیالیسم علمی در ایران و کشورهای سوسیالیستی، و به تبعیت از آن، دشمنی آشکار با جنبش های رهایی بخش ملی و بومی و جنبه پایداری خلق های عرب علیه امپریالیسم آمریکا و صیونیزم بین المللی قرار داشت.

در مقابل این جناح لیبرال، سمت گیری سیاسی جناح مردمی حاکمیت، درین این که به بخودی خود به پیچیده از همگونی و یکپارچگی در جهت زمینه های برخوردار نبود، به طور عمد دور خط عدم سازش با امپریالیسم ریشه کن کردن تسلط امپریالیستی و در درجه اول تسلط امپریالیسم آمریکا، مجازات خائنین و سرسریگران اصلی رژیم سرنگون شده، صادره داران خائنین فراری و ازیم انجام اقدامات در جهت محدود کردن غارت غارتگران و به سود محرومان جامعه قرار داشت.

در زمینه برخورد با گرایش های پیرو سوسیالیسم علمی، با کتودهای سوسیالیستی و جنبش های رهایی بخش، بین موضع گیری های دو جناح ضمن وجود همگونی ها، در بخش اختلال نظریه ای چندی که ناشی از همان موضع گیری متفاوت در مناسبات با امپریالیسم جهانی بود، وجود داشت و هنوز هم وجود دارد.

اوج درگیری این دو گرایش در آبان ماه ۱۳۵۸ بود که از یکسو جناح لیبرال کار تدارک سازش با امپریالیسم آمریکا را تاحد دیدار و مشاوره با پوزنیسکی، یعنی گرداندن همه توطئه های خصمانه علیه انقلاب ایران، به پیش برد و در جهت دیکر نیروهای جناح مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب با اشغال ستاد اصلی ضد انقلاب و توطئه، یعنی جاسوخانه آمریکا، توطئه سازش را نقش بر آب ساخت و دولت لیبرال ها را بر کنار کرد. از این تاریخ حاکمیت جمهوری اسلامی در ترکیب تازه ای که به طور عمد نماینده جناح مردمی نیروهای انقلابی است، مستقر گردید.

برگرددن دولت نماینده سرمایه داری لیبرال به این معنا نبود که لیبرال ها از همه دستگام های حاکمیت برگزیده شده اند، بلکه برعکس برای مدت طولانی در شورای انقلاب تفویض سرمایه و موثری را حفظ کردند و تا تشکیل دولت جدید، در شهر پورماه ۱۳۵۹، تقریباً همه وزارتخانه ها را در اختیار خود نگه داشتند.

به این ترتیب تا تکمیل نهاد های نظام جمهوری اسلامی، یعنی شروع کار مجلس شورای اسلامی و انتخاب دولت و شورای عالی قضایی، حاکمیت دوگانه وجود داشت و حتی گرایش لیبرال سازش با امپریالیسم آمریکا در عملکرد دولت و بویژه وزیر خارجه آن، جاکم بود. تنها با آغاز کار دولت جدید است که می توان گفت حاکمیت جناح مردمی در جناح لیبرالی بر پایه نسیب محکمی استوار گردید است.

دوند گسترش انقلاب شکوهمند مبین ما را کند می کند و در عمل آبه آسیاب امپریالیسم و ضد انقلاب می ریزد و به بورژوازی لیبرال ضربه می خورد و امکان می دهد که از آن به زیان انقلاب بهره گیری نماید.

این ویژگی ها در دولت موقت قرار ندارد: هم در وجهی است و هم در راست، در حالی که منشاء پیدایش هر دو گرایش وجهی و راست همان اقتضای برخورد بورژوازی هستند.

این ویژگی ها را درست راست در جنبه گروه های متجاوز، فاشیست ماب، چماق دار و گردانندگان آن مینماید. این شیوه که امروز مسلماً جولانگاه عناصر ناشناخته ضد انقلاب و ساواک گردیده و کم کم علیه همان محافظی وارد عمل شده اند که ابتدا خود در بوجود آوردن آن موثر بوده اند، محصول برداشت انحصارگراانه از قدرت برای سرکوب هر طبقه مغایر با نظریات تنگ مبتکرین آن است.

رواج این شیوه موجب می شود که تنگ نظران از یکسو میدان جنبه متحدین نیروهای راستین انقلاب را تنگ کنند و گردان های ارزشمندی را که می توانند در این میدان، در نبرد مشترک برای عدم ترن آمیجایی همگانی محرومان جامعه فعالانه سازماندهی شده شرکت نمایند، از این میدان خارج سازند و از سوی دیگر راه را برای نفوذ فرستگلیان و عوامل دشمن که خیلی زود می توانند رنگ و ماسک ریا و تزویر بچهره خود بزنند، به درون صف مبارزان انحصار طلب باز نمایند. تجربه تاریخی نشان داده که صف گروه های انحصار طلب، خیلی زود جولانگاه عناصر دشمن می شود.

در سمت وجهی، همین انحصار طلبی و مطلق گرائی و خودمحموری در میان آن گروه های چپ گرا دیده می شود که افراد آن به طور عمد مانند انحصار طلبان راست گرا و قشری در موضع گیری های خود صدقات دارند، ولی به علت همان ویژگی های برانحرف عملی در سمت گیری نادرست نسبت به ضروریات انقلاب در لحظه تاریخی کونی قرار گرفته اند. در این مورد هم اقدامات آشوبگرانه، تشنج انگیز، تحریری یعنی اعمال فشار و توسل به قبح برای تحمیل نظریات تنگ گروهی به دیگران، جانستین خود خرد خلاق انقلابی می شود. ما شاهد آن هستیم که این روش ها عیناً مانند انحراف سرکوبگرانه راست گران، میدان رشد انحراف زودمارانه چپ روهایی یعنی نوعی از گرایش های «انقلاب فترکی» مائوتسکی که غلبت به شیوه های وحشیانه پلوتوکراسی پانام می یابد، گردیده اند. قشری در مقامات حاکمیت موجب اشتباهات، زیاده روی ها، و در پیامد آن ها، زیان های جبران ناپذیر در زمینه آزمت شدن نیروهای سازنده انقلاب از یکسو و از دست دادن امکانات و فرصت های گران بها در بسیاری از زمینه ها ازسوی دیگر گردیده و قشری گری و خودمحموری در وجهی، به سود مستی های با اقدامات تفریبی، تفرقه جو شده، و بیامده روی این گرایش ها آن است که میدان برای فعالیت دشمنان انقلاب و سرکوبگری لیبرال های سازشکار و تسلیم طلب به طور چشم گیری مساعد گردیده است.

توجه به این عوامل گانه اهمیت و ارزش تاریخی دستاوردهای انقلاب را چشم گیری می سازد. این خود تشانه نیروی عظیم توده ای و مردمی انقلاب است که علیرغم همه این عوامل منفی توانسته است هر روز در سمت گیری های اساسی، یعنی مبارزه برای ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم، مبارزه برای برابری، کن ساختن آثار استبداد سلطنتی و مبارزه برای محدود ساختن امکانات فزاینده بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و تأمین آزادی و شرایط زندگی بهتر برای محرومان جامعه، دستاوردهای خود را گسترش دهد.

توجه به این عوامل گانه اهمیت و ارزش تاریخی دستاوردهای انقلاب را چشم گیری می سازد. این خود تشانه نیروی عظیم توده ای و مردمی انقلاب است که علیرغم همه این عوامل منفی توانسته است هر روز در سمت گیری های اساسی، یعنی مبارزه برای ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم، مبارزه برای برابری، کن ساختن آثار استبداد سلطنتی و مبارزه برای محدود ساختن امکانات فزاینده بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و تأمین آزادی و شرایط زندگی بهتر برای محرومان جامعه، دستاوردهای خود را گسترش دهد.

### حاکمیت در دوران پس از پیروزی انقلاب

مهمترین پیامد پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در هم تنگ شدن تسلط فکلیت گرا و امپریالیستی بر سرکوبگری امپریالیسم آمریکا بر مبین، و سرنگون شدن حاکمیت رژیم استبدادی سلطنتی بود که در حقیقت چیزی جز تبلور حاکمیت بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی خاندان پهلوی نبود. با سرنگونی حاکمیت این نظام، راه برای به قدرت رسیدن نیروهای جنبه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی که در آن طیف پهنای از نیروها منجمله کارگران، دهقانان، پیشه وران، کسبه، روشنفکران و سرمایه داری لیبرال قرار داشتند، هموار گردید. در این جنبه گرایش های گوناگون سیاسی، از یک سو به سود هواداران اسلام ناب و بیرون یکپس سوسیالیسم علمی، شرکت داشتند، بر چسب ترین شخصیت مذهبی سیاسی و اجتماعی دوران اخیر جامعه ما، امام خمینی، که با مبارزه بیکسری و آشتی ناپذیر خود علیه نظام وابسته و مستبد سلطنتی و تسلط امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از اعتماد وسیع ترین اقشار خلفای مبین ما

پایه از صفحه قبل

جنبش انقلابی و اختلال نظریه ای آنان با سمت گیری قطع ضد امپریالیستی، ضد فترکی و مردمی امام خمینی، بهترین معرف ماهیت سیاسی این قشر بورژوازی بود. یا توجه به خصوصیات طبقاتی این قشر که امروزه به بود که همراه آنها با انقلاب مشروط بوده است و بدون تردید، در صورت پیروزی انقلاب و بیرون رفتن آن از چهارچوب مورده لافه لیبرال ها، تمام نیروی خود را برای ترن کردن بیشتر فتن انقلاب و در صورت توانایی بازگرداندن آن به چهارچوب مورده نظر به کار خواهد انداخت.

درست بر پایه همین شناخت و ویژگی دوگانه این قشر بود که سازشدهین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در تحلیل سیاسی خود در زمینه روند آینده انقلاب به این نتیجه رسید که:

«... حال این سوال پیش می آید: آن یکپارچگی که جنبش انقلابی ایران در جریان سرنگون کردن رژیم از خود نشان داد تا چه وقت ادامه خواهد یافت و موضعگیری اقتدار طبقاتی گوناگون در جزئیات تحول آینده چگونه خواهد بود؟ ... مسلم آن است که طبقه کارگری و به همراه این طبقه سایر قشر های زحمتکش شهر و روستا با تمام قوا برای رسیدن به همه هدف های انقلاب ملی و مملکتی در پیش دارد، تلاش خواهد کرد و تا آخر پیگیری این در مواضع انقلابی خواهد ایستاد ...»

... مسلم است که سرمایه داری لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، می گوشت جنبش را در چهارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه های خفتی و فراموش آن را تصفیه نماید. تجربه های انقلابی نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواست های طبقاتی و قشری محروم جامعه، این سرمایه داری لیبرال حاضر شده است از انقلاب دور گرداند و با باقی مانده های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خفتی زحمتکش و نگران سازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی مبین ما هم، همین پدیده ها رشد کند. حتی از پیروزی انقلاب، سرسود صدها میلیارد غیرضایع این جنبش از محتوای مترقی نظریات آیت الله خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به گوش می رسد و این غرضیات روز به روز شدید پیدا می کند. این جناح می گوشت انقلاب را در چهارچوب رفتار خود برای اعلام جمهوری، انتخاب مجلس شورا و تأمین برخی آزادی های مملکتی نگه دارد و در زمینه اقتصادی همان راه افلاک را سرمایه داری را ادامه دهد.

این بود ارزیابی حزب توده ایران در ارزیابی روزهای پس از پیروزی انقلاب، و تجربه دو سال گذشته درست بدون کوچکترین خشنه این ارزیابی را به وسیع ترین اقشار توده های محروم جامعه ما و بویژه به بخش عظیمی از آن مبارزان انقلابی که در آن زمان با این ارزیابی موافقت نداشتند، نشان داد. تنها یک نمونه از این رشد شناخت می تواند این تحول عظیم را نشان دهد. آشتی مبدوی کسب، وزیر کشور در روز جمعه ۲۴ بهمن ۱۳۵۹ در همدان ضمن خلبه در نماز جمعه، ارزیابی زیر را درباره نقش این قشر می دهد:

«... انقلاب خیلی ها را ما بود، ولی بعد، راهش جدا شد و خیلی از تجار نیز روش خود را تغییر دادند و اکنون از موقعیت سوسانمانده آفتاب و سوسو کلان به چشم دیده اند، این ها... مردم را نارضی می کنند به انقلاب به می روند. بورژوازی لیبرال ایران با تمام نیروی سیاسی و اقتصادی خود در دو سال اخیر و بویژه در ماهها دولت و کام به کام، که تقریباً به طور یکصد در اختیار نمایندگان سیاسی این قشر قرار گرفته بود، کوشید تا از گسترش انقلاب و سمت گیری ضد امپریالیستی و خلقی این جنبش در جهت برانداختن همه جانبه هر گونه تسلط امپریالیستی بر زندگی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشور ما و در جهت محدود ساختن غارت طبقات مالک و سرمایه دار به سود محرومان جامعه جلوگیری نماید. خطاساسی سیاست لیبرال با عبارت بود از نگهداری کامل نظام سرمایه داری و بزرگ مالکی گذشته در ایران و نگهداری مناسبات یکجانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، با برخی تعدیل ها و اگر برقراری مناسبات گذشته با آمریکا موقتاً میسر نباشد، تحکیم این مناسبات و بازآوری غریب و زاین. مسلم است که چنین سیاستی چوایکوی «حقاقل» خواست امپریالیسم آمریکا و همدستانش در ایران است، چون آمریکا این سیاست را به درستی مانند جادوسازی کن با زکنت مناسبات گذشته، یعنی برقراری تسلط جنبه امپریالیسم بر تمام شئون زندگی اجتماعی مبین ما ارزیابی می نماید.

۳) پیامدهای ناشی از اشتباهات، مطلق گرای ها، قدرت طلبی ها، انحصار طلبی ها و خودمحموری ها در صفوف نیروهای انقلابی.

بدون تردید این پیامدهای منفی و دمواردی بسیار منفی، درین آن که به بخش عمده آن رسانی توان به حساب دشمنی آگاهانه با انقلاب گذاشت، مانند ترن زود کاری

یقه از صفحه قبل

دشمنان خارجی و درونی انقلاب، با خرابکاری سرمایه‌داران لیبرال و با دشواری‌های روزافزون ناشی از دگرگونی‌های بنیادی در نظام رایسته سیاسی-اقتصادی - فرهنگی «آریامهری»، گرایش واقعی‌ترین و روشن‌بینی در حاکمیت، درجه زمین‌ها رشد می‌کند. سرین این رشد هنوز کم است، ولی می‌توان امید داشت که زندگی این آموزگار بزرگ، بر این سرعت بیفزاید. بدون تردید مبارزه‌ی بی‌وقفی توده‌های عظیم زحمتکشان میهن ما در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران هنداراده و رویدادهای تاریخی‌وار و قدرتی، درستی این هندارها را تأیید کرده‌اند.

وضع در میدان نبرد انقلابی در لحظه کنونی

در لحظه کنونی در میهن ما مبارزه تاریخی نیروهای راستین انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی در چند جنبه باشد: در روزافزونی در جریان است. در این ارتباط باید این حقیقت را یادآور شد که ترکیب نیروهای خلقی و مردمی شرکت کننده درجه این جنبه‌ها یکسان نیست و برعکس و درجه‌بندی‌های خاصی که یکی از ویژگی‌های انقلاب شکوهمند میهن‌ماست، ناشی از همین ناهمگونی ترکیب نیروها است.

الف. در چشمه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امپریالیسم

۱۰ این جنبه بدون تردید دشوارترین و سرنوشت‌سازترین نبرد نیروهای راستین ضدامپریالیستی علیه دسایس و توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب ابراهیمی می‌باشد. این جنبه‌ها را ارتجاع جهانی و ضدانقلاب داخلی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در جریان است. این مبارزه در تمام شئون زندگی اجتماعی در میدان‌های نبرد سیاسی - نظامی، اقتصادی و فرهنگی با شدت بی‌سابقه‌ای جریان دارد. امپریالیسم جهانی و سرسپردگانش در ایران، تمام نیروی جنینی خود را به کار انداخته‌اند تا انقلاب ایران را با یکسختی و پورسازندگی و اوضاع گذشته را بازگردانند.

در این نبرد ۴ نیرو فعالانه شرکت دارند: نیروهای جنبه پراگندگی، نیروهای جنبه سازش و تسلیم، نیروهای جنبه پایداری و نیروهای بنیادین.

۱. نیروهای جنبه پراگندگی

که مستقیماً زیر رهبری امپریالیسم آمریکا عمل می‌کند، به‌طور هم‌زمان روی نقشه ۴ نقشه که هدف همه آنها یکی است و تنها اثرهای رسیدن به آن متفاوت است، عمل می‌کند. این ۳ نقشه به ترتیب عبارتند از: نخست برانداختن حاکمیت کنونی و روی کار آوردن یک دولت میانه‌رو، نظیر دولت «کابینه کام‌موت» یعنی دولتی که «متناقضاتی» آمریکا را در ایران و منطقه تأمین و تسخیر کند.

دوم تدارک یک کودتای ضدانقلابی از راه دامن زدن هر چه بیشتر به تشنج‌های داخلی برای جلوگیری از تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی و تدارک زمینه برای یک اقدام پراگماتیک ضدانقلاب سازمان یافته در ایران، در ارتباط مستقیم با دخالت نیروهای ضدانقلاب در خارج از کشور به کمک دولتهای ارتجاعی منطقه که در جنبه دشمنان انقلاب ایران مسفندی کرده‌اند. خبرهای تردیدناپذیری در دست است که دولتهای مصر، ترکیه، عراق، عربستان سعودی، عمان و پاکستان دست در دست ضدانقلاب ایران به‌رهبری اشرف و اوسمی و بدست خود در این نقشه مستند کرده‌اند و مستادهای خارجی نیروهای وابسته به این نیروهای ضدانقلاب هم‌گونی علاوه بر ریخته‌های کشورهای عمده امپریالیستی یعنی واشنگتن - لندن - پاریس در پایتخت‌های کشورهای توسعه‌یافته در بالا نیز مشغول شدیدترین فعالیت هستند.

سوم نقشه‌های وادخلت مستقیم نظامی امپریالیسم امپریالیسم آمریکا نیروی عظیم نظامی در منطقه وجود آورده است. این واقعیتی است که چنین تمرکز نیروی آسزوی امپریالیسم پس از جنگ دوم جهانی بی‌سابقه است. اکنون بیش از ۶۰ ناو جنگی آمریکا و انگلیس نزدیکترین قاسله از سرحدات ایران، دست در دست نیروهای بزرگ نظامی وابسته و زیر فرمان امپریالیسم می‌دهند. «مانور» می‌دهند و آماده می‌شوند تا در صورت شکست نقشه‌های دیگر امپریالیستی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران، مستقیماً وارد عمل شوند. تصور این که آمریکا از تجربه تلخ تجاوز در ویتنام درس گرفته و یا این که به‌علت وجود اتحاد شوروی در شمال ایران، به‌جین می‌جاری خطرناکی دست نخواهد زد، درست نیست. یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی آمریکا در دوران پس از جنگ دوم

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

جهانی همان ماجراجویی بیرون از هر گونه «منطق‌سال» سیاسی است. حزب توده ایران از راهز و بارها در مورد اینگونه ماجراجویی‌های سیاست خارجی استیلاجویانه امپریالیستی و بویژه امپریالیسم هار و متجاوز آمریکا هنداراده و رویدادهای تاریخی‌وار و قدرتی، درستی این هندارها را تأیید کرده‌اند.

یکی از عواملی که بویژه دست‌بازی امپریالیسم آمریکا را به‌جین ماجراجویی تسخیر می‌کند، همانا وجود یک موضع‌گیری شدید خصمانه نسبت به جنبه جهانی سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، نسبتاً توسط بازماندگان طبقات حاکم‌ارجمی مغزینگران بزرگ‌مالک و کلان‌سرمایه‌دار و ضدانقلاب «آریامهری»، بلکه علاوه بر آن‌ها در میان بخش‌هایی از حاکمیت کنونی ایران است.

تجربه تلخ ۲۸ مرداد نشان داد که دنبال کردن یک چنین سیاست دشمنانه نسبت به نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی در ایران و در جهان می‌تواند راه را برای تدارک کودتای امپریالیستی - ارتجاعی و با لاق‌لاف برای روی کار آمدن یک دولت میانه‌رو و مخالف، که به گفته مقامات آمریکایی شامین نگه‌داری منافع آمریکا در ایران و در منطقه است، هموار سازد. آمریکا از تجربه افغانستان که در آن بخش قابل توجهی از نیروهای موثر جمهوری اسلامی ایران عملاً در دام نقشه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا افتادند و به‌جای آن که در جهت خشن ساختن این توطئه خطرناک امپریالیستی آمریکا و پاکستان و چین که کامیابیش مستقیماً خطر عظیمی برای جمهوری اسلامی ایران بوجود می‌آورد، گام بردارند، عملاً بد جهت حمایت از آن اقدام کرده و می‌کنند، بهره‌گیری و نتیجه‌گیری می‌کند و به همین علت با نیروی پراگندگی‌های دروغین تبلیغاتی «خطر کمونیسم»، «خطر حمله شوروی»، «خطر کودتای حزب توده ایران» را یاد کرده و به‌عوض می‌فرستد تا درست مانند نقشه‌های پیش از ۲۸ مرداد زمینه را برای توطئه خود آماده سازد.

نیروهای مشخص جنبه پراگندگی در دزدن کشور عبارتند از بقایای وابستگان رژیم سرکوشنده، یعنی بزرگ‌مالکان، کلان‌سرمایه‌داران وابسته به سرپرندگان و مزدوران آن رژیم، یعنی سلاوکارها و نظایریشان در دستگاه‌های دولتی و نیروهای استعمار، اوبزیر چاق‌قاران و هروئین‌فروشان و دزدان و قاچاقچیان حرفه‌ای که همیشه در خدمت سلاوگ بوده‌اند. به این نیروها اضافه می‌شوند ستون پنجم سیاسی آمریکا که به‌صورت گروه‌های فاشیست مآب چپ‌نمای چینی-آمریکایی مانند «نوجیر»، «بیکارها»، «انجمنه کمونیست‌ها»، «کولمبه»، جناح قاسملو در حزب کمکرات کرمانشاه ایران و سایر دسته‌های ضدانقلابی در کردستان و بلوچستان و نظایریشان فعالیت می‌کنند. عملکرد این گروه‌ها از یزید پیدایش تاکنون به‌طور پیگیر در جهت تفرقه‌اندازی در میان نیروهای راستین انقلاب و مشتت ساختن محیط برای هموار ساختن راه‌فناحلیت ضدانقلاب است. این پدیده، تنها ویژه انقلاب ایران و جامعه ایران نیست. این یک پدیده جهانی است و تعریف روشن و ساده آن همان «چپ» آمریکایی است. نقش چپ‌آمریکایی عینا همان نقش اسلام آمریکایی است. اگر نوانست درجانی قدرت دولتی را فاش کند، سیاست چپ‌نایب در یوزیوت و حفظ‌الاهلین را در کامیوج و افغانستان تکرار خواهد کرد، تا توده‌های مردم را از کمونیسم واقعی بیزار کند و اگر نتوانست، آنوقت نقش تفرقه‌انداز خود را برای جلوگیری از گسترش و به‌هم‌پیوستگی جنبش انقلابی و پس از پیروزی در آن، تا کاسباختن و درهم‌شکستن انقلاب اینا خواهد کرد.

در شیلی و پرتغال نقش این جناحی‌کاران به‌بازترین شکل نمایان گردید و اکنون انقلاب میان‌ماجولانگه آنان است.

۲. نیروهای جنبه سازش و تسلیم

از لحاظ طبقاتی سرمایه‌داری لیبرال و روشنفکران و کارمندان مرفه و ممتاز جامعه «آریامهری» و از لحاظ سیاسی تقریباً همه فریزدگان جامعه که میهن‌پریشان جن میدان درآمدهای کلانی با هدف خروج کردن آن در پاریس و لندن و واشنگتن مقبوض می‌نمایند. این جنبه گرد آمده‌اند. هدف نهائی این نیروها با هدف نیروهای جنبه پراگندگی عینا یکی نیست. این‌ها خواستار احیای نظام «آریامهری» درهفته ابداش نیستند. آرزوی این نیروها این است که نیروهای رادیکال و پیگیری ضدامپریالیستی و خلقی را از حاکمیت دولتی برکنار کنند و با امپریالیست‌ها به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در جراحی و تسخیر منافع حیاتی امپریالیسم یعنی نگهداری نظام سرمایه‌داری وابسته به دسایس امپریالیستی در ایران، ادامه وابستگی نظامی ایران با آمریکا، غرب، ارتجاع یک سیاست آشکار و دروغین کمونیسم‌ستیزی در داخل، شوروی‌ستیزی، همکاری با دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه، خودداری از همکاری

انقلابی کشورهای سرمایه‌داری رشدیافته و جنبشهای راستین رهایی‌بخش ملی و کشورهای که در آن‌ها این نیروها قدرت دولتی را در دست دارند، تکیه کنند. این جنبش‌های پدیدتارکون، چه در دوران نبرد تاریخی برای سرنگونی رژیم سلطنتی و چه در دوران نبرد برای تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی و چه در مبارزه علیه توطئه‌های رنگارنگ ضدامپریالیسم آمریکا و همدستانان و بویژه در جریان محاصره اقتصادی کم‌های گرانبانی به انقلاب ما کرده و بدون تردید، این پشتیبانی در همه ابعادش در ادامه خواهد یافت.

۳. نیروهای بینابینی

در کنار ۳ اردوگاه عمده میدان نبرد کشور ما نیروهای بینابینی دیگری به‌صورت سازمان‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی وجود دارند که هویت در گانه از خود نشان می‌دهند: از یک طرف سیاست خود در درجه‌بندی مواضع پیگیر و آشنان‌پذیر ضد - امپریالیستی اعلام می‌دارند و از طرف دیگر در عمل با جنبه نیروهای سازشکار و تسلیم‌طلب و حتی دموارادی با نیروهای براندازی هنگامی عملی دارند.

این نیروهای بینابینی که به‌طور مشخص در یکی از ۳ اردوگاه سیاسی بالا قرار گرفته‌اند، عبارتند از: سازمان مجاهدین خلق، گروه‌انقلاب سازمان چریک‌های فدائیان، گروه‌های چپ‌گرای نظریات مانند راه کارگر، البته این گروه‌های بینابینی در مواضع یگانه قرار ندارند، و در عین‌زمانک نسی با یکدیگر، به‌ویژه در عملکرد سیاسی اختلافات جدی با یکدیگر دارند. اینست نیروها به‌طور مطلق در مواضع ضدامپریالیستی و ضداستبدادی و هواداری از خواستهای خلق جای گرفته‌اند، ولی در عمل، در ارزیابی دقیق لحظه دچار چهروری جدی شده و در پیامد این موضعیگری چه‌روانه که آن‌ها را به اقداماتی در جهت تسخیر و براندازی حاکمیت کنونی، یعنی اکثریت مجلس و دولت کشنده است، عملاً لیبرال‌ها و نیروهای خواهان براندازی جمهوری اسلامی در یک جنبه قرار گرفته‌اند.

تحلیلی که این نیروها برای موضع‌گیری خود ارائه می‌دهند بر این پایه است که گویا بخش عمده برای سرنوشته انقلاب ایران، حاکمیت کنونی است و نه امپریالیسم در درجه اول و نه سرمایه‌داری لیبرال به‌عنوان حاکم‌ساز که بازگشت آن، نمایا این‌طور بیان می‌کند که گویا با کنار زدن حاکمیت کنونی از قدرت حاکم (اکثریت مجلس و دولت کنونی) مهم‌ترین دست‌خاکه در سرراه گسترش و اعتلای انقلاب وجود دارد، شکسته خواهد شد و در نتیجه قدرت حاکم به‌دست «نیروهای رادیکال انقلابی» (منظور خود آنهاست) خواهد افتاد.

همان‌طور که میدانیم تجربه بسیاری از انقلاب‌ها در دوران نزدیک، تجربه انقلاب پرتغال، به‌بازترین شکلی نشان داد که چه پیامدهای در دناکی ممکن است از این گونه ارزیابی‌های خیالی‌رستانه و ماجراجویانه برای سرنوشته انقلاب به‌بار آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست اطرالی اصحارطلب است که با اقدامات ضدآزادی خود موجب تشدید نقای چندجندستی در میان نیروهای راستین هوادار انقلاب ضدامپریالیستی در میهن ما شده‌اند.

از بیابان حزب ما از این جریانات، هنوز بر این پایه است که این نیروها در چهره‌های روی‌وخیال پرستی در ارزیابی‌ها و اقیانیت هستند. تا هنگامی که این ارزیابی‌ها قوت خود را حفظ کنند، تلاش ما در جهت خواهد بود که این نیروهای سالم را که جای‌شان در جنبه متحد خلق است، از این گروه خارج سازیم.

همان‌طور که میدانیم در دوران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران هم که تانجندی قبل چریک‌نیز این ارزیابی‌ها وجود داشت، تحول جدی در جهت شناخت علمی و منطبق با واقعیات موجود آمد و اکثریت این سازمان بر اشتباهات گذشته خود چیره شد. ما امیدواریم که تحولات و تجربیات آینده جنبش ما به‌نیروی جوان دیگری هم، که هنوز در این گونه مواضع نادرست هستند، کمک کند.

در این ارتباط باید موضع‌گیری گروهی از شخصیت‌های سیاسی و بویژه نمایندگان مجلس را مورد بررسی قرار دهیم که هم‌رغم این که در مجموع سمت‌گیری‌های سیاسی خود از خط امام‌محیتی هواداری می‌کنند و مواضع ضدامپریالیستی و مردمی قرار دارند، معذالک در برخورد با حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی، در بسیاری از موارد در کنار لیبرال‌ها قرار می‌گیرند، در عین‌اینکه در زمینه‌ترین مسائل مربوط به سرنوشته جنبش، مانند وضع‌گیری در برابر امپریالیسم و ضرورت دگرگونی بنیادی به‌صود محرومان، به‌طور مشخص در مقابل لیبرال‌ها قرار دارند.

به‌عنوان مسئولیت‌پذیری این پدیده به‌طور مشخص به‌عده اصحارطلبان در حیطه موارد حاکمیت کنونی است. سیاست این قشر که حاضر نیست هیچ‌گونه یقه در صفحه بعد

با کشورهای شرقی عرب و جهان، خودداری از پشتیبانی از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و بویژه جنبش خلق فلسطین، کنار آید. خلاصه آرزوی این نیروها عبارت است از تحویل یک راحل شبیه ترکیه دوران پیش از کودتای نظامی و یا یونان و اسپانیا و پرتغال، یعنی نظامی که ظاهر دموکراتیک داشته‌باشد، ولی در عین حال با هزاران زنجیر به اردوگاه امپریالیستی وابسته‌باشد. این نیروها نادر پذیرش نظام سلطنتی مشروطه‌آماده سازش و عقب‌نشینی هستند.

در لحظه کنونی که این نیروها به‌میزان زیادی از حاکمیت برکنارند، هدف فوری و میرم آنان با هدف حداقلی جنبه پراگندگی یعنی امپریالیسم و ضدانقلاب کاملاً منطبق گردیده است و هر دو تمام تلاش خود را به‌کار می‌برند تا دولت کنونی را سرنگون کنند و دولت میانه‌رو معتدل و مخالف جایگزین آن سازند که در اردوسته ریگان آن را حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و منطقه - تکرار می‌کنیم حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و در منطقه - می‌داند و امیدوار است که با روی کار آمدن چنین دولتی «مناسبات تنگناستگ گشته تجدید شود».

سازمان‌های سیاسی مشخص این اردوگاه عبارتند از «جنبه ملی» و گروه‌ها و گروه‌های وابسته به آن، «نهضت آزادی»، «فتر هماغهی مردم با وئیس‌جمهور و گروه‌های کوچک‌تری مانند «جاما» و نظایر آن هم هستند که ضمن دعوی استقلال‌دوشتن نظریات بویژه در زمینه موضع‌گیری‌ها از این جنبه تبعیت می‌کنند. نمایندگان سیاسی این «جنبه سازش و تسلیم» یک‌رنگ و یک‌دست نیستند و از طیف رنگارنگی تشکیل می‌شوند که یک طرف آن امثال امیرانظام و نوزیه و مرافعی و دیگر از رسواشدگان وابسته به امپریالیسم و دزلف‌دیگر آن شخصیت‌های لیبرال مانند مهندس بازرگان قرار گرفته‌اند، یعنی کسانی که مانند او واقفا یک لیبرال آب‌کنیده هستند یعنی مسازقه‌ده و با استفاده از نظام سرمایه‌داری دماغ می‌کنند و از تشنیدن کار کارگر و دهقان و پیشه‌ور و زحمتکش این حقون را زحمتکشان دچار تشنج عصبی می‌شوند و بر همین پایه هم مسازقه‌ده و با استفاده در امام‌انظام‌ها و امیرانظام‌ها، هنوز رسوا نشده می‌افتند و به‌دست آن‌ها اداره می‌شوند.

۳. نیروهای جنبه پایداری

اکثریت مطلق کارگران و دهقانان و اقتدار زحمتکش پیشه‌ور و کسبه و روشنفکر، مبارزان دلیب جنبه ضدامپریالیستی و ضداستبدادی که در سیاه نامداران، بسیج مستضعمان و داوطلبان جهاد سازندگی و نیروهای راستین هوادار انقلاب، چه مذهبی و چه سیاسی، ارتش عظیم این جنبه را تشکیل می‌دهند.

جنبه نیروهای پایداری از طیف وسیع و رنگارنگی بوجود آمده که مجموعه آن در یک‌شماره اشتراک‌نگار و عمل‌دارند و این مبارزه پیگیر و آشنان‌پذیر در راه پایداری‌بخش به تسلط جابریه و غارتگرانه امپریالیسم و ضدانقلاب «آریامهری» است. این طیف که به شدیدترین وجهی مورد نفرت اردوگاه امپریالیستی و ضدانقلاب و همچنین سازشکاران و تسلیم‌طلبان است، از یکسو قسری‌ترین عناصر مذهبی و آسزوی دیگر می‌دهد و راستین سوسیالیسم علمی را در سر می‌گیرد. در میان این دو آنتی‌نیروی وسیع مبارزان مذهبی پیرو خط امام خبونی و سایر نیروهای صادق خلقی و مردمی ضدامپریالیست و ترقی‌خواه مبارزه می‌کنند. با کمال تأسف، این واقعیت را باید یادآور شد که به‌بجز یکی، تنگ‌نظری و اصحارطلبی امپریالیستی قسری موجب شده است که این جنبه نتواند از تمامی نیروهای خود بهره‌گیری کند و چنین وضعی در چنین مرحله دشواری از نبرد تاریخی انقلاب ایران علیه دشمنان و سازشکاران زبانه‌های جبران‌ناپذیری را به انقلاب وارد ساخته است. این تنگ‌نظری امکان‌داده است که عناصر دشمن مزدورانه خود را با مسلمان‌نمائی در بسیاری از بنیادهای انقلابی جانی دهند و از این مواضع حساس به‌طور مداوم بند نقای بیفتانند.

دشمنان انقلاب ایران در جریان است، نیروهای انقلابی ایران می‌توانند مانند گذشته روی پشتیبانی و دریغ و هجانیه مجموعه نیروهای جنبه ضدامپریالیستی، یعنی خانواده کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری

پایه از صفحه قبل

مخالفی را با پوششگری سیاسی اجتماعی خود، حتی برای همکاری در پاسخ، تحمل کند، در «راندن» بسیاری از افراد که به تفکر مستقل و ارزیابی مستقل معتقد هستند، بسیار موفق است. بدون تردید این انحصارطلبی‌ها یکی از مهم‌ترین مدهای خفنه‌ساز در برابر بهترین ضرورت میره انقلاب، یعنی اتحاد همه نیروهای است که هوادار تئیت و تحکیم و گسترش انقلاب در سینه‌گیری‌های ضدامپریالیستی هستند. تجاوزات آشکاری که از طرف گروه‌های فشار به حقوق دموکراتیک مندرج در قانون اساسی وارد آمده، در تشدید این بدویم تأثیر بسیار جدی داشته است.

### ب. در جبهه تیرد برای تأمین آزادی‌های دموکراتیک

این که دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی و ضدانقلاب و سازشکاران و تسلیم‌طلبان ادعا می‌کنند که کویا در ایران دژبیه محدودیت آزادی قیوم محسوب رتخ داده و استبدادی سرنگون شده و استبدادی دیگر جای آن را گرفته، پاندهو بیرونی و مردمی فاجعار بیش نیست. واقعیت این است که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند ما همین درهم‌شکستن کومیس وحشتناک اشخاص ساواکی و بهرست‌شناختن آزادی‌های فردی و اجتماعی است. ولی البته نمی‌تواند گفت که آزادی‌های به‌دست آمده تأمین شده در جامعه انقلابی ما همان‌قدر معقول و منطقی آزادی‌های است که باید در پیامد انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی تأمین و تضمین و تثبیت شود. به تئیت از محتوای طبیف وسیع نیروهای که در انقلاب مین ما شرکت داشته‌اند و همچنین چارچوب‌های گوناگونی برای آزادی در میدان مبارزات سیاسی کشور، وجود دارد و هر گروه به بیرونی از موضع گیری طبیفی خود آزادی را برای طبقه خود نامحدود و برای طبقات دیگر به تناسب تضادی که با آن دارد، محدود و محدودتر می‌خواهد.

تئیرین راست‌گرا درجه حاکمیت از آزادی مطلق بودن هیچ‌گونه پایندی به قانون اساسی برخوردارند. آن‌ها که خود را حافظ و نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند، به خود اجازه می‌دهند نه تنها در حرف‌ها و در تئیرات خود بلکه عمل آن‌ها را که این قانون در زمینه تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی دظنر گرفته است، تکمیل کنند. به‌جماع، سخنرانی‌ها و دفاتر و مراکز فروش کتاب هراس‌زانی که موافق مطلق نظرات آنان نباشد، حمله برند و سوزانند و افراد را مجروح کنند و به‌کک افراد خود در شهادهای انقلابی علیه آنان پرونده سازند و مردم کم‌آگاه را علیه آنان سوزانند. این گروه‌های هوادار چماق و کتانی که به قول سرافرازان نویس روزنامه اطلاعات (بمن ۵۹) اولین اقدامات درختان آنان را بدینده تضمین می‌کنند، بهترین امکان را برای ضدانقلاب و ماجراجویان حرفه‌ای فراهم کرده‌اند. آن‌ها فراموش کرده‌اند که برای ضدانقلاب خریدن چندصد، مزدور قچاقچی و هروین‌فروش جهان‌بپ آمده و سبازدن آهان در صفوف هواداران «حزب‌الله» تریک جوانان منصب کم‌آگاه، از آپ‌خوردن آسان‌تر است. به این ترتیب این حمایان جمهوری اسلامی بهترین وسیله را در اختیار نیروهای براندازی برای ناتوان‌ساختن جمهوری اسلامی، در اختیار ضدانقلاب گذاشته‌اند تا در سایه تشدید تنشات اجتماعی و ایجاد جک داخلی زمینه را برای کودتای ضدانقلابی آماده سازد و به سازشکاران و تسلیم‌طلبان امکان دادند که با مردم بیرونی ایران رویدادهای بیگانه‌گر می‌کنند. خود را هوادار قانون و آزادی جايزند و قنر وسیعی از مردم را که به‌طور طبیعی و به حق خواستار آرامش و نظم و حکومت قانون هستند، جذب کنند.

ضدانقلاب قانون آزادی مطلق دوران دولت کم به‌کام برای خود محدود کردن آزادی‌های بیگانه‌ترین نیروهای ضدامپریالیستی و ضداستبدادی است. از به داشتن روزنامه‌هایی مانند «زنجیر» و «عدالت» و غیره امکان نمی‌دهد و خواستار انتشار «آیندگان» و «یادگار» و «تیران مسوده» و... خواستار آزادی تظاهرات و سخنرانی «جبهه دموکراتیک مله» و... و... و... متین‌دتری‌ها و مقدمه‌رانی‌هاست. خواستار فعالیت علمی، هنری، جمهوری خلق مسلمان و گروه‌های تشبیه به آن است. درین حال که خواستار تقلیل سازمان‌های بیگانه انقلابی مانند حزب توده ایران است.

ضدانقلاب فریاد عدم آزادی می‌کنند، درین راسته به‌طور نسبی از وسیع‌ترین آزادی برخوردار است. ضدانقلاب که در سایه عمل قنریون راست‌گرا با کمال آزادی، به تظاهرات مخالف خود با سنگ و چماق و اسلحه گرم حمله می‌کنند، کتاب‌فروشی‌ها را به نام حزب‌بانی آتش می‌زنند، کلوب‌های اجزاع و دستجات ضدامپریالیستی را غارت می‌کنند و تحت حمایت لیرال‌ها و وایبره گیری از تشبیه‌های چاق‌داران راست‌گرا آن‌قدر جسور شده‌اند است که دیگر به سختی‌ها، حتی به مراکز حزب جمهوری اسلامی که مهم‌ترین سازمان سیاسی ائتلاف دولتی و اکثریت مجلس شورای اسلامی است، حمله می‌کنند.

## گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

ضدانقلاب خواستار آن است که این «آزادی» برای براندازی را قانونی کند. به این ترتیب دیده می‌شود که در حقیقت بخشی از نیروهای قنری اترالی که در میدان تیرد برای ریشه‌کن‌ساختن تسلط امپریالیستی بیگانه وارد دژ دشمنان انقلاب موضع گرفته و جانفانی می‌کنند، در میدان تیرد برای تأمین عملی آزادی‌های فردی و اجتماعی تضمین شده در قانون اساسی، به‌مسوازان دشمنان انقلاب یعنی درجهت پیمان‌آلود کردن آزادی‌های ضروری برای قوام گرفتن نظام جمهوری اسلامی عمل می‌کنند.

چنین است، با کمال تأسف، یکی از ویژگی‌های زیانبار مرحله کنونی انقلاب ایران. طبیف نیروهای سازشکار و تسلیم‌طلب هم خواستار همین آزادی‌ها در همین چهارچوب هستند. میندس بازگشتن رئیس دولت موقت که سیاست تیلور خواست‌های سرمایه‌داری لیرال ایران بود، در همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب که آزادی مطلق برای «تیران مسوده» و «آیندگان» و ساواکی‌ها، تأمین شده بود، بازارها در مورد آزادی فعالیت حزب توده ایران، قانون سیاه ۱۳۱۰ رضانحای را مطرح کرد و آن‌ه تون سیاه را شروع شناخت. این بهترین نمونه‌ان آزادی است که لیرال‌ها برای آن سینه می‌زنند. در سایه چنین آزادی مطلق برای ضدانقلاب، برای فلج کردن نیروهای بیگانه انقلابی و عاجز کردن به این نیروها زیر چرم‌قولین رضانحای، سازشکاران می‌توانند به بهترین وجهی نقش تاریخی خود یعنی نقش «چاه‌ساز» برای هوادار ساختن راه بازگشت و استکبار امپریالیستی را ایفا کنند.

در برابر این ۳ جریان، هواداران واقع‌بین و روشن بین بیرو خط اسام و نیروهای سالم و بیرو سوسیالیسم علمی قرار گرفته‌اند که خواستار اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی در تمام ابعادش هستند، یعنی تأمین و تضمین آزادی‌های همان نیروهای که خواستار تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند مین‌ها و به بیان دیگر ریشه‌کن‌ساختن تسلط امپریالیستی و جلوگیری از بازگشت غارتگران، خلع بیگانه از طبقات حاکمه پشیمان‌دزمین طاغوتی یعنی سازشکاران و کلان‌سرمایه‌داران وابسته، انجام دگرگونی‌های بنیادی به‌سود محرومان جامعه و خلاصه تأمین استقلال کامل سیاسی - نظامی - اقتصادی فرهنگ مین ما با تائیک به نیروی لایزال خلق‌های محروم، سخن گفته، آزادی برای پیش‌بردن انقلاب، نه برای براندازی آن، آزادی برای پیشرفت اجتماعی، نه برای تمحیل سیرقرباسی، آزادی برای کمک و جانفانی در راه انقلاب، نه برای خرابکاری و توطئه و تمحیل اختیاتی دیگر. توده‌های دهم‌پایلیونی لارگران، در این زمینه دوران و روشنفکران زحمتکش، هوادار پارچایی این آزادی هستند و برای آن بیگانه تیرد می‌کنند. این است به‌طور خلاصه و عمده ویژگی‌های ۳ اردوگاه سیاسی در لفظه کنونی جامعه ما.

### ج. در میدان تیرد برای دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی

سومین آماج انقلاب شکوهمند مین ما که ده‌ها هزار نفر از محرومان جامعه - از زحمتکش‌تشرها و آوارگان دوستانه، جان خود را برای پیروزی آن فدا کردند و صدها هزار دیگر سلامتی خود را در درازش از دست دادند، این بود که نظام اقتصادی - اجتماعی رژیم وابسته استبداد سلطنتی متکی به بزرگ مالکان و کلان‌سرمایه‌داران برچیده شود و به‌جای آن نظام عادلانه‌ای برقرار شود که در آن ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان برای بهبود شرایط زندگی کوشش‌نیستان و تنجیران شین و دوستانه به‌کار آفتد. در این میدان تیرد توده‌های دهم‌پایلیونی کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و کسبه خرده‌ها و روشنفکران زحمتکش در پلکسو و بزرگ مالکان و زمین‌داران و تاجر و سرمایه‌داران و خیل وسیع غارتگران زمین‌خوار و سفته‌باز و دلال و سلفخر و میدان‌دار و واسطه، در سوی دیگر قرار گرفته‌اند.

پاوجود خدمات گرانبایی که از سوی سرمایه‌داری چوشتیده از انقلاب، مانند چهار ساندنکی و حیثه‌های هفت‌نفره مامور انجام اصلاحات ارضی به‌سود دهقانان و زمین و کم‌زمین انجام گرفته، این واقعیت متورر ادامه دارد که با کمال تسلط بخش‌گیری از نیروهای سیاسی فعال و بیگانه در تیرد برای تأمین استقلال‌های روز به رابطه ناگسستی و اجتناب‌ناپذیری مبارزه در راه ریشه‌کن کردن تسلط جایزه‌غزتکاران امپریالیستی و لزوم انجام دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی کشور به‌سود محرومان جامعه و درجهت محدود کردن غارت غارتگران و سودجویان، معتقد نشده‌اند. دشمنان انقلاب ایران و نیروهای سازشکار و تسلیم‌طلب

سرمایه‌داری لیرال که دشمن سرسخت و آشتی‌ناپذیر این سمت‌گیری انقلاب در ایران هستند، تمام نیروی خود را برای کند کردن پیشروی درجهت این سمت‌گیری به‌کار انداخته‌اند و مهم‌ترین جنگ‌افزارهای آنان یکی خرابکاری در دستگاه‌های اقتصادی بخش دولتی، دیگری تبلیغات وسیع تحریک‌آمیز و مردم‌فریبانه علیه هر تلاش بیگانه درجهت ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی به‌سود محرومان جامعه است، تا آن‌جا که حتی با زدن چرسب کمونیستی و ضددولتی رچیره‌بندی برای قند و شکر در دوران جنگ، می‌کوشند اقتدار آگاهانه مذهبی توده‌های مردم را علیه این‌گونه اقدامات را بکنند. چیهه گیری به‌سابقه بزرگ مالکان که با پشتیبانی تمام زرادخانه سرمایه‌داران لیرال و از گران‌های تبلیغاتی‌شان، هم‌چنین با پشتیبانی بخش آژ روحانیت وابسته به بزرگ‌مالکی و سرمایه‌داری علیه قانون اصلاحات ارضی که هدفش ریشه‌کن کردن بقایای فئودالیسم از روستای ایران است، انجام می‌گیرد، نشان می‌دهد که تاجحد جبهه نیروهای براندازی و جبهه نیروهای لیرال سازشکار و بخشی از روحانیون وابسته به استعمارگران، دست در دست می‌دهند و متحد و آگاهانه عمل می‌کنند. با کمال تأسف باید گفت که انحصارطلبی قنریون و عمل آگاهانه‌عاصی ضدانقلابی که با گذاشتن ریش و گرفتن تسبیع خود را در صفوف مبارزان مسلمان جا زده‌اند و به‌ویژه اکنون که بسیاری از مبارزان راستین درجه‌های جنگ‌خون می‌دهند، هر کوز بیشتر در دست‌های حساس دولتی و اقتصادی رسته می‌کنند، شرایط را برای ناگسختن اقدامات مثبت حاکمیت آماده می‌سازند و به لیرال امکان می‌دهد تا افکا کند که تنها آن‌ها می‌توانند چرخ‌های اقتصادی دستک‌ها دولتی را به‌گردش در آورند. این بود به‌طور مختصر وضع نیروهای سیاسی درون کشور.

### نتیجه گیری

به‌طور کلی می‌توان عمده‌ترین پیامدهای مبارزات نخستین دوسال انقلاب را بدین‌سان بیان کرد: ۱- زرف‌ترشدن و جدی‌ترشدن چشم‌گیری انقلاب در دست‌گیری‌های استمراری یعنی در مبارزه برای پاک‌نشدن به‌تسلط امپریالیستی و در مبارزه برای دگرگونی‌های بنیادی به‌سود محرومان؛ ۲- رشد و تثبیت قانونی اشکال مدیریت‌های شورایی در زندگی اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان شهر روستا و در چارچوب مینمی در ارگان‌های اجرایی دولتی و نیروهای مسلح، گرچه این روند مثبت آغاز از تاکنون با موانعی مواجه شده و هنوز بسیار ناقص است؛ ۳- پدیدایش و رشد نطفه‌های واقع‌بینی سیاسی در بخش مهمی از نیروهای راستین انقلاب در زمینه‌های: آشنانشان با دشواری‌های عظیمی که در مقابل روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وجود دارند؛ شناخت نسبی هواداران واقعی انقلاب در درون جامعه و دوستان واقعی انقلاب در میدان سیاست‌جهان امروز؛

۴- شناخت عمیق‌تر از امپریالیسم و دست‌سازشکار و رنکارنگ و (یکپاناش)؛ ۵- شناخت ارگان‌نیمه‌راه انقلاب، یعنی سرمایه‌داری لیرال و نمایندگان سیاسی‌اش؛ ۶- دوگردان شدن قانون‌نمندان نیروهای سازشکار و تسلیم‌طلب یعنی سرمایه‌داری لیرال و هفت‌هواستگانش از انقلاب و گرایش به‌همکاری با دشمنان انقلاب؛ ۷- رشد دشواری‌های گوناگون بر سر راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب؛ ۸- دشواری‌های ناشی از عوامل عینی مانند محاصره اقتصادی امپریالیستی و دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی، خرابکاری ضدانقلاب و نقش ترمزکننده سرمایه‌داری لیرال و پیامد تشبیه‌های ماجراجویانه گروه‌های چکرگرا و بالاخره پیامدهای جنگ تمحیلی آمریکا - صدام به‌مین‌ها؛ ۹- دشواری‌های ناشی از عوامل ذهنی که در راس آنها ناتوانی حاکمیت کنونی در اتخاذ تصمیمات‌سریع قاطع علیه سودجویی سرمایه‌داران لیرال و بازمانده‌های طبقات حاکم رژیم «آریاسمیر» یعنی سرمایه‌داری بزرگ تجاری و بزرگ مالکان قرار دارد. به این بارگ مهم اضافه می‌شود: ۱۰- پیامدهای انحصارطلبی نیروهای افراطی در اداره اقتصاد که به‌حذف بخش مهمی از نیروهای سالم هوادار انقلاب در جریان بازسازی منجر گردیده‌است. میدان دادن به‌خرابکاری‌های عتاس ماجراجو و عوامل ضد انقلاب در ایجاد تفرقه و ففاق و بالاخره پیامدهای ندامت‌کاری و خودمحدودی بسیاری از کارگردانان جمهوری اسلامی و عدم توجه به‌پیشنهادهای سازنده نیروهای دلسوز برای انقلاب؛

پیامدهای زیان بخش عملکرد نیروهای که در این گزارش زیر نام «نیروهای بینابینی» از آنها یادشده است، با کمال تأسف این نیروها به‌جای آن‌ها عمده توجه خود را به سمت‌گیری عمده انقلاب در لفظه کنونی، یعنی مبارزه علیه دست‌سازشکار امپریالیستی، متمرکز سازند و با برهیز از قنریه‌گری و انحصار-طلبی چهره‌گرایانه و با تکیه بر خرد و دانش خلق انقلابی و واقع‌بینی و روشن‌بینی در شناخت درست دشمنان و دوستان انقلاب، خدماتی ارزنده به انقلاب شناسنده خلق‌های مینشان بنامند، با موضع‌گیری و عملکرد نادرست خویش آب به آسیاب دشمنان انقلاب می‌ریزند.

به این ترتیب ما امروز شاهد این واقعیت هستیم که انقلاب ایران به‌موازات یک رشته تیریزی‌های چشم‌گیری تاریخی، از پلکسو با دشواری‌های بسیار دست به‌گریبان است، از سوی دیگر با توطئه‌های درازافزون دشمنان دربرو است و از سوی خود هنوز نتوانسته است شیوه‌های قاطع تجویز و کردارویژه‌ها اسکانات موجود را برای درهم‌شکستن توطئه‌های دشمنان انقلاب و جرم‌زدن بر دشواری‌ها پیدا کند. واضح است که ادامه و رشد دشواری‌ها، نیروهای انقلاب را مانند «خودره» بیامد و ناتوان خواهد ساخت و زمینه برای پیشرفت توطئه‌های دشمنان انقلاب آماده‌تر خواهد شد. این مهم‌ترین نگرانی است که ذهن همه نیروهای راستین و آگاه هوادار انقلاب ایران را به‌خود مشغول ساخته است. این نگرانی به‌ویژه شدیدتر میشود اگر اوضاع رفیع‌کنونی ایران را در ارتباط با جریان‌هایی در نظر بگیریم که در جهان امروز می‌گذرد و نشانگر آن است که محافل تجارزاد امپریالیستی و ارتجاعی جهان به‌سرگردگی امپریالیسم هار آمریکا هر روز بر دامنه توطئه‌ها و تحریکات سیاسی و مداخلات تجارزادانه نظامی خود برای سرکوب جنبش‌های رها، بخش ملی می‌افزایند، اشتباه بزرگی است اگر بخوایم آن‌جا که در ایران می‌گذرد، از مجموعه آن‌چه در جهان در حال تکوین است جدا سازیم. درست به‌همین علت لازم است که این اوضاع جهان را مورد بررسی قرار دهیم.

### ب. اوضاع سیاسی جهان امروز

بدون تردید سمت‌گیری تعیین‌کننده و اساسی تحولات اوضاع سیاسی جهان در جهت تغییر تناسب نیرو به‌سود جبهه جهانی ضدامپریالیستی و به‌زیان امپریالیسم، به‌سود پیشروی سوسیالیسم و به‌زیان حاکمیت سرمایه‌داری انحصاری، به‌سود خلق‌های محروم کشورهای در حال رشد و به‌زیان مواضع استعماروان، قرار دارد. این نیز تاریخی که با انقلاب بیگانه‌سازی است امپریالیسم، یعنی نخستین پیروزی تعیین‌کننده و بدون‌سازگشت تیردی‌ها و سرمایه‌های آغاز گردید، در طی دوران کوتاه ۱۳ ساله که از عمر تاریخی‌اش می‌گذرد، توانسته است چهره جهان را در ریشه دگرگون سازد و با شتاب روزافزون شرایط را برای پیروزی‌های دیگر خلق‌های محروم فراهم آورد. تنها مقایسه‌دگرگونی‌های جهان، در طول سال‌های سه‌دهه‌ای که از جنگ دوم جهانی می‌گذرد گمنی سالهای ۵۰ و ۶۰ و ۷۰، نشانگر روشن این شتاب روزافزون است.

کافی است تنها به‌کامیاب‌های عقلمیور تاریخی ده سال گذشته نگاه می‌کنیم. حتی یک بررسی کوتاه نشان می‌دهد که نبرد خلق‌های محروم در ۳ قاره آسیا و آفریقا و آسیای لاتین در این ده ساله نه تنها از لحاظ کمی، بلکه از لحاظ کیفی نیز بزرگ و تاریخی در جهت تکمیل به‌بیش برداشت، با پیروزی عظیم خلق‌رویتام علیه‌جبارز جانیته‌بار امپریالیسم آغاز شد که در نتیجه آن برای نخستین بار در تاریخ دو سدهت ساهاتش، یوزه این ابرقدرت جانیته‌بیشه و متجاوز به خاک مالیده شد، دگرگونی‌های طبیفی در جهان به‌سود خلق‌های محروم آغاز گردید. در فاصله میان‌شکست تجاوز آمریکا در ویتنام تا امروز ما شاهد آن هستیم که بساط تسلط غارتگران استعماروان در بیش از ۱۲ کشور در مهم‌ترین مناطق جهان برچیده شد. ویتنام، جنوبی، لائوس، کامبوج، آنگولا، موزامبیک، گینه‌بیسائو، آلبانی، بنین، افغانستان، ایران، نیکاراگوا، زیمبابوئه با پیروزی انقلاب‌های ضد امپریالیستی، مردمی رژیم‌های سیاه ارتجاعی وابسته به استعماروان سرنگون شدند. در اکثریت مطلق این کشورها نیروهای بیگانه (انقلاب) امپریالیستی در دست گرفتند و سمت‌گیری سوسیالیستی را برای رشد آینده جامعه خود تضمین کردند. در ۳ کشور اروپایی اسپانیا، پرتغال، یونان نظام‌های فاشیستی فرو ریختند. این بود برجسته‌ترین پیروزی در جبهه نبرد خلق‌های محروم با امپریالیسم جهان‌نواز و ارتجاع وابسته به آن.

در نبرد بین این دو سیستم جهانی یعنی سوسیالیسم و امپریالیسم با پیشرفت‌های هفته‌ناپذیر بزرگ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کشورهای سوسیالیستی و با تشدید انواع بحران‌های بنیادی در کشورهای امپریالیستی، پایه در صفحه بعد.

### گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین بلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

استعمارزده را از بازسازی زمین خود بازدارند. همین طور است اقدامات جنایتکار آمریالیستها در آفریقای سیاه، در منطقه کشورهای عربی و در آمریکای لاتین. ما مشخص ترین نمونه این سیاست جنایتکار را در السالوادور شاهد هستیم و می بینیم که قصاب های مزدور واشنگتن پایه شقاوتی مبارزان راه استقلال و آزادی این خلق کوچک را آماج مسلسل و بمب پانالم فرامی دهند.

یکی دیگر از شکردهای محافل آمریالیستی برای ادامه تسلط خود بر کشورهای درحال رشد و خلق های محروم بهره گیری از هرگونه امکان بسرای ایجاد جنگ های محلی، برخواستن نژادی و مذهبی و قومی و عشیراتی و هرچیز دیگر است. این فرزند تاریخی استعمار که در مقیاس های پهنادرتی امروز از طریق استعمار نوبه کار می رود. استعمار نو می داند که بی آمدن این گونه نژادها، به ویژه اگر به صورت جنگ های تخریبی گسترش پیدا کند، در حال حاضر توان دشمن نیروهای ضدامپریالیستی و تحکیم مواضع استیلاجویان است. جنگ برادرکنس میان خلق های بی نظیر اسارت آمریکاییان بر دست پای آنها است. جز سنگین تر کردن این زنجیرهای آبدی نمی تواند داشته باشد.

امپریالیسم و ارتجاع جهانی نظام های محکوم به مرگند و مانند دهمای زخم خورده پا چنگ و دندان از زندگی جنایتکار خود دفاع می کنند. ولی نیروی عظیم خلق های محروم و توده های زحمتکشان سراسر جهان که با انقلاب بوسه های کبیر سوسیالیستی اکثر به حرکت درآمده، دیگر شکستناپذیر است. این سبیل عظیم که در این فاصله زمانی کوتاه، بخش چشم گیری از کاخ های هزاران ساله نظام جبارانه طبقات غارتگر را برانداخته است، در روز منتهی تر، متحدت و نیرومندتر می شود. دشمن را بهتر می شناسد و راه های مبارزه برای از یاد بردنش را دقیقتر محاسبه می کند و با گام های استوار و شتاب گیرنده به سوی پیروزی نهائی به پیش می تازد. مردم سراسر کبیر، هر روز بیشتر درک می کنند که امپریالیسم و ارتجاع جهانی درآستانه فروپاشی تاریخی نظام غارتگر و جنایتکار خویش، آماده هرگونه جنایت تازه ای، هر اندازه هم بی فکر انسانی غیرقابل تصور باشد، قرار دارند. تنها آرزوی نیست یکی از این جزوهای ناله مزدور امپریالیسم که در کودهای ۱۸ تریماه شرکت داشت، اشتراک کرد که گردانندگان دنیای زشت داشته به هر قیمت که تمام شود، نظام سیاه خود را بر ملت ایران تحمیل کنند و اگر ضرورت پیدا کند، حتی ده میلیون نفر از مردم ایران را به خاک و خون بکشند.

مردم دنیا فراموش نکرده اند که جنگ دوم جهانی که گرافل امپریالیسم خونخوار ایداع از بین بردن اولین و کبیر کشورهای سوسیالیستی جهان تدارک دیده ۵۰ میلیون کشته و بیش از چهار میلیارد معلول بهمی برداشت. مردم دنیا هر روز بیشتر به این حقیقت پی می آورند که فاجعه جنگ اتمی کلسر امپریالیستها تدارک دیده میشود. در همان کلسر نخست آغاز جنگ سدها میلیون نفر را به قتلگاه خواهد فرستاد. همبر شناخت روزافزون است که جبهه مبارزان راه تامين جنبش جهانی و هواداران فعال جلوی گریز فاجعه جنگ اتمی را نیرومندتر می سازد. هواداران دگرگونی های اجتماعی به سود توده های زحمتکشان در سراسر جهان هر روز به بطور بازتری به اهمیت مبارزه در راه صلح که منتهی مبه آن مبارزه در راه جلوگیری از دستاورد امپریالیستها به منظور دامن زدن به تشنه فضای سیاسی جهانی است، پی می آورند و دناين مبارزه شرکت می کنند. خلق های هنوز درینده کشورهای محروم هر روز بهتر درمی یابند که بهترین شایسته ترین شرایط پیروزی مبارزه آنان برای پایه کردن زنجیرهای اسارت، وجود فضای صلح در جو سیاسی جهانی است. این واقعیتی است که بزرگترین موج پیروزی جنبش های رهائی بخش ملی در سال های ۷۰ هیزمان بود که در تشنه ترین دوران های سیاست پس از جنگ جهانی. هر فرد محبیط سیاسی جهان که تشنه تر باشد، امکانات پیروزی خلق های علیه فشار غارتگرانه استعمار، افزایش می یابد. درست به همین دلیل است که امپریالیست های جانپناور و به ویژه انحصارهای نظامی - صنعتی امپریالیستی از فضای بدون تشنه، از آرامش بین المللی، از بیشرقت هواداران صلح جهانی و سخت تبالود دارند و با تمام نیروی جنبش تبلیغاتی شیطان علیه آن تلاش می کنند. این کبیر و اللوه شیطان بزرگ استعمار کارانه امپریالیستی ایالات متحده آمریکا در سال های ۵۰ درباره ضرورت ایجاد جنگ سرد نشان دهنده بی نفسی این واقعیت است. دالسی بیروزی با یستی و هیروا لطبار داشت:

«برای آن که ما کشور را مجبور کنیم تا بار سنگینی را که نتاقداری یک ارتش نیرومند ایجاد می کنیم، بهوش نکنند، لازم است که جو هیجان انگیزی شواض ارضی روانی دوران جنگ پیور آوری، ضروری است این تصور را خلق کنیم که گویا کشور در معرض تهدید خارجی است.»

بقیه در صفحه بعد

سیاست خارجی و جهانی این کشورها را در چهارچوب سیاست جهانی خود محصور کند و از نزدیک و همکاری آنان با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای دیگر ازیند رسته و مستقل جلوگیری کند؛ - از بیشرقت اقتصادی مستقل و آزاد این کشورها جلوگیری کند و آنها را در وابستگی به سبب بازار امپریالیستها نگاه دارد.

امپریالیستها برای رسیدن به هدف های خود در این نقشه چنین همه نیروهای سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی - ایدئولوژیکی خود را به کار گرفته اند. اکنون به بطور مسلم تمام منطقه کشورهای درحال رشد میدان اعمال این سیاست های امپریالیستی است. کتی است به اقدامات امپریالیسم و به ویژه زانداران جهانی آن - امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان. در آمریکای جنوبی و منطقه خلیج فارس، در آسیای جنوب خاوری، در آفریقا و در آمریکای لاتین توجه کبیر. در این میان منطقه خلیج فارس به علت اهمیت منحصربه فرد در راه راه های انرژی، هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ نظامی، و به علت انحصار عظیم نفتی که در آن روی داده، حائز اهمیت درجه اول گردیده است.

ما اکنون دوسال است که شاهد همه مسائل و توطئه های امپریالیسم در این منطقه هستیم و می بینیم که چگونه تمام اهرم های مرئی و نامرئی نیروهای سیاه امپریالیستی، از ارتجاعی در منطقه به کار افتاده اند تا در انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی این منطقه، یعنی انقلاب ایران و انقلاب افغانستان را با ناگامی روپرو سازند و حداقل از درون آنها راه مسخ کنند و به راه سازش و تسلیم یعنی به همان زندان وابستگی و بنیادی سرمایه داری بکشانند.

امپریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکا برداشته ترین اقدامات را برای درهم کوفتن انقلاب ایران تدارک می بیند. اقدامات در ترکیه، تحریک عراق برای تجاوز آشکار به ایران، تلاش برای سرهم کردن یک بیامن نظامی منطقه ای میان کشورهای خلیج فارس و دریای عمان علیه ایران، تلاش برای مسلح کردن رژیم های ارتجاعی عرب و پاکستان، تقویت پایگاه های نظامی و ایجاد پایگاه های تازه در اوارد ایران، کمک نظامی و بلاغی و فوری ۵۰۰ میلیون دلاری به پاکستان و وام ۵۰۰ میلیارد دلاری بانک جهانی به این کشور، اقدام آشکار به مسلح کردن باندهای جنایتکار افغانی که به کارگردانی شاه مخلوع افغانستان و بیخبرها و اوبسی های افغانی و زیر نظر مستقیم عوامل صیاه در پاکستان انجام می گیرد، همه و همه تدارکاتی هستند برای ایجاد یک حلقه آهنین ارتجاعی در اطراف ایران.

دیگر کارسیا به بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در سراسر جهان مبدل میشود و ارتش ۲۰۰ هزار نفری «واکسن سرب» ماموریت یافته است که حوزه عملیات خود را فقط به منطقه خلیج فارس محدود سازد. انگلیس آماده است که پایگاه نظامی عظیم خود را در قریس دراختیار این ارتش تجاوزی قرار دهد. مذاکرات میان آمریکا و مصر و آمریکا و پاکستان برای ایجاد در پایگاه نظامی جدید آمریکا در این کشور در جریان است. اینها همه و همه اجزاء نقشه جنسی امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان است که بنا به گفته بیرونیکی «قاتل» نیروها را در منطقه دگرگون ساخته اند.

جزء دیگر این نقشه تلاش است که تمام دستگهای وابسته به امپریالیسم خبری و کلیه عوامل وابسته به امپریالیسم آمریکا با کمک سازشکاران و تسلیم طلبان در ایران برای بنیاده کردن هرمنهوه برژنیسکی در زمینه تیره کردن مناسبات ایران با اتحاد شوروی انجام می گیرد.

اکنون بیش از ۶۰ واچنگی آمریکا، فرانسه و انگلیس، دهها هزار سرباز آمریکایی تربیت شده برای جنگ در شرایط ایران و آماده برای تجاوز در کنار ارتش های گوشه به فرمان کشورهای وابسته، یعنی اسرائیل و مصر و عربستان و اردن و عمان و ترکیه و پاکستان به روز اسلحه و برخی می کنند و هوارد می ملنند، در آسیای جنوب شرقی امپریالیسم آمریکا و هندوستان یعنی اندونزی و مالزی و سنگاوری و به هیساری خاتین جنبش، کشورهای ویتنام و کامبوج و لاوس را در محاصره گرفته و با تجاوز دائمی به سرحدات شمالی و شرقی آنها از چین و تایلند، تلاش می کنند تا خلق های تازه ازیند رسته این کشورهای

انقلاب های این کشورها روپرو شود. همین مقایسه نشان می دهد که تغییر تناسب نیروها به سود سوسیالیسم و جنبش های رهائی بخش ضد امپریالیستی و پیرامدان یعنی بیشرقت روند تشنه زادی، امکانات عظیم نوینی را برای کامیابی جنبش های ملل محروم بوجود آورده است. در چنین شرایط تاریخی مناسب و درچارچوب دوستی و همکاری نیروبخش جنبش های رهائی بخش ملی با نیروی عظیم و شکستناپذیر کشورهای سوسیالیستی است، که کشورهای کوچکی که تازه توانسته اند خود را از زیر سلطه امپریالیسم جهانی بیرون آورند، می توانند حتی در شرایط دشوار محاصره اقتصادی و فشار همه جانبه امپریالیسم جهانی به رشد و تکامل یکبیر خود ادامه دهند. کوبای انقلابی اکنون پس از ۲۰ سال هنوز در محاصره اقتصادی کشورهای امپریالیستی قرار دارد، ویتنام قبرمان و همسایگان مارزش لاوس و کامبوج و یا جمهوری دموکراتیک خلق یم و ایتوبی که از همه طرف زیر فشار و حتی مداخلات تجاوزکارانه نظامی نیروهای امپریالیستی و ارتجاع وابسته به آن قرار دارند، نمونه های بارز این واقعیت دوران ما هستند. امروز ۲۰ کشور از ۱۱۰ کشور جهان که کشورهای در حال رشد می باشند، با جمعیتی بیش از ۱۵۰ میلیون روست گری سوسیالیستی را برای تکامل آینده اجتماعی خود بره کرده اند. با آن که کبیر اقتصاد - اجتماعی و فرهنگ انقلابی این کشورها در سطوح مختلف رشد قرار دارد، معذالک همه آنها در عمده ترین مسائل مربوط به راه رشد و حل مسائل اجتماعی و اقتصادی خود تجارب گرانبایی به دست آورده و می آورند.

عظمت تاریخی این تغییر تناسب نیروها درصحنه جهانی سگناسی بیشتر جلوه می کند که به یاد آوریم که این تغییرات چشم گیر و سرنوشته ساز در شرایطی انجام گرفته که بزرگترین کشور جهان از لحاظ جمعیت یعنی جمهوری خلق چین در همین دهماله در موضع گیری چندپیشی سیاسی قریبای خطرناکی داشته است و بهرروا به جبهه جهانی ضد امپریالیستی خیانت کرده و برای سرکوب جنبش های رهائی بخش ملی، برای تشویق تجاوز نظامی امپریالیستی به کشورهای سوسیالیستی و درجناوب به اتحاد شوروی به سازش ننگین با منافع ترین نیروهای امپریالیستی یعنی آمریکا و دولت های فاشیستی و نژادپرست مانند اسرائیل، آفریقای جنوبی و شبلی تن در داده است و برای این که «صدقات» بازگشت ناپذیر خود را دراین خیانت باهاتای برساند، بزرگترین فشار سیاسی و نظامی و اقتصادی خود را متوجه اتحاد شوروی در زمان و ریتنام و لاوس و کامبوج در جنوب ساخته است.

این پیروزی ها به ویژه شتابی که این دگرگونی ها در ده ساله اخیر به خود گرفته، در لید خونین قریبای های بها خاسته و نیروهای مترقی جهان علیه ارتجاع جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا به دست آمده است.

امپریالیستها و ارتجاع با تمام نیروی خود در برابر این سبیل عظیم ایستادگی می کنند و حتی یک وجب از مواضی را که جبارانه در اختیار گرفته اند، بدون لبره، رها نمی کنند. امپریالیسم و ارتجاع جهانی وابسته به آن می کوشند که با بهره گیری از همه امکانات سیاسی - اقتصادی و نظامی، با دست باز که از هر شیوهه جنایتکارانه و مزدورانه، مواضی را در دست داده اند، دوباره به چنگ آورند و یا لافلاش از تشبیت و تحکیم و گسترش نظام های نوین انقلابی ضد امپریالیستی و خلقی جلوگیری کنند و از این راه از شتاب روزافزون دگرگونی های جهانی به زیان خود، بکاهند.

ویژگی مهم لحظه کوفی سیاست جهانی در همین تلاش مذموبخانه امپریالیستی است. امپریالیسم جنبش ساز آمریکا در پیشانی ش مجموعه امپریالیسم جهانی یعنی اروپای غربی - ژاپن و دیگر کشورهای ارتجاعی در جهت کفونی هدف های ذریب را به عنوان عمده ترین هدف های استراتژیک در برابر خود قرار داده است:

- با دامن زدن به تشنه سیاسی، فضای تشنه زادی را ممتل کند و دنیا را به دوران جنگ سرد و مسافه تسلیماتی باز گرداند و از این راه با تحمیل بوجه های سنگین تسلیمات به کشورهای سوسیالیستی خلق المتمدن بیشرقت پریشان این کشورها را کند سازد؛ - بیشرقت و کامیابی جنبش های رهائی بخش ملی را ترمن کند و در صورت امکان جنبش های پیروز شده را با ناگامی روپرو سازد و مواضی گذشته را با بلایز ستاند؛ - کشورهای درحال رشد را در سبب ستم سرمایه داری جهانی نگه دارد و با تمام قوا از گرایش این کشورها به دیدیش گرفتن راه رشد غیر سرمایه داری و ستم گیری سوسیالیستی منامت به عمل آورد؛

### بقیه از صفحه قبل

تناسب نیروها به بطور چشم گیر به سود سوسیالیسم تغییر پذیرد.

در این زمینه کافی است به رشد موزون ویس گبر و رفته ناپذیر اقتصاد در جامعه کشورهای سوسیالیستی و به تشنه بدوران در کشورهای امپریالیستی توجه کنیم.

در سال ۱۹۸۰ که پایان آخرین برنامه پنج ساله اتحاد شوروی بود، تولید صنعتی این کشور از مرز ۲۰ درصد تولید صنعتی سراسر جهان گذشت. در حالی که تولید آن کمتر از ۶ درصد جمعیت جهان است. برتری نظام سوسیالیستی وقتی آشکارتر میشود که در نظر می گیریم تولید صنعتی این کشور در سال ۱۹۱۳، یعنی بالاترین سطح تولید پیش از انقلاب آکتن ۳۰ درصد تولید صنعتی جهان بود. در زمینه تولیدات کشاورزی نیز با این که در ده ساله از پنج سال دوره برنامه شریط جوی به بطور کبیر یافته ای برای کشاورزی نامساعد بود، میانگین تولید غله به میزان بی سابقه ۲۰۵ میلیون تن در سال بالغ گردید. طی این برنامه درآمد سراسر واقعی مردم شوروی ۱۷ درصد افزایش یافت. بیش از ۵۰ میلیون نفر از مردم شوروی به ۱۲ میلیون واحد مسکونی نوساز نقل مکان کردند. در پایان این برنامه تعداد پزشکان شوروی از مرز یک میلیون نفر گذشت. ایک برای هر ده هزار نفر مردم شوروی ۳۷ پزشک می رسد که بالاترین رقم در جهان است. تمام این پیروزی های عظیم در شرایط به دست آمده است که ۲۰ سال از جنگ جهانی اول و انقلاب آکتن می گذرد. در راه جنگ داخلی، مداخله نظامی خارجی، جنگ جهانی و سال های قریب و بازسازی ویرانی های ناشی از این جنگ ها از دست رفته است. برای رشد و گسترش پرشتاب و بدون درنگ در آینده نیز ادامه خواهد یافت. مثلا طبق پیش بینی برنامه پنجاهه ۱۹۸۵-۱۹۹۰، درآمد ملی در اتحاد شوروی ۱۸۰۲۰ درصد، صنایع ۲۶-۲۸ درصد و کشاورزی ۱۲-۱۴ درصد رشد خواهد داشت و میانگین تولید غلات به ۲۳۸۲۵۴ میلیون تن در سال خواهد رسید و بیش از ۵۰ میلیون نفر دیگر از مردم شوروی ۱۲ میلیون واحد مسکونی نوساز به دست خواهند آورد. البته بلندگوییان سرمایه داری جهانی که با نفی و کینه باین کامیابی های خیره کننده نگاه می کنند، با تمام توان و کرایه تبلیغاتی خود در سراسر جهان، از جمله در روزنامه های «سیاه» ساخته آمریکائی در ایران، به تحریف این واقعیت های عیان می پردازند. در کنار این بلندگوییان، گردن های هم هستند که در تمام این تحریفات می افتند و یا چشم های خود را به روی این واقعیتها می بندند. ولی علمبرغ این تلاش مذموبخانه سرمایه داری جهانی و علمبرغ کوشش واپس گرایانه کمره لادن، دران ما دوران فروپاشی نهائی نظام غارتگر سرمایه داری و پیروزی بازگشتناپذیر نظام سوسیالیستی در سراسر جهان است و هیچ ددوغ و تزویر و توطئه و جنایت و رذالت امپریالیسم و ضدانقلاب جهانی، قادر نیست این روند تاریخ را تغییر دهد.

اما در کشورهای امپریالیستی هنوز بیماری ناشی از بحران اقتصادی سال های ۲۴-۲۵ علاج نشده، دوران تازاری از پیران آغاز گردیده است. از میانه سال ۱۹۷۹ فعالیت اقتصادی در عمده ترین کشورهای امپریالیستی در سرازیری افتاد. در نیمه دوم سال ۱۹۸۰ در مجموع ۲۴ کشور سرمایه داری رشد یافته، تولید اجتماعی به دست می کشد. این بحران در ایالات متحده آغاز شد، سپس به انگلستان و کانادا و دنیس آنها به بالاترین کشور امپریالیستی، یعنی جمهوری فدرال آلمان غربی سرایت کرد. در اقتصاد آمریکا پیش بینی می شود که در سال جاری تولید داخلی در حدود ۳ درصد کاهش یابد.

اکنون در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بیش از ۲۰ میلیون نفر بی کارند و همه علائم نشانگر آن است که این ارتش عظیم بیکاران در سال جاری با زهم بیشتر خواهد شد.

بر پایه این تحولات عظیم در این دو میدان بزرگ نبرد جهانی، تلاش نیروهای هوادار صلح در زمینه تشنه زداشی کامیابی چشم گیری به دست آورده است. عملی که امکانات نیروهای تجاوزکار امپریالیستی را در سراسر جهان برای مداخله به میزان زیادی محدود ساخت. کافی است برای این واقعیت تاریخی توجه کنیم که اگر ایالات متحده آمریکا در شرایط سال های دهه شصت، یعنی هنگام لشکرکشی ناکام خود به ویتنام می توانست به هنگام اجازه دهد که علمبرغ سبیل اشتراش مردم جهان، به منظور سرکوب جنبش رهائی بخش ویتنام، بزرگترین اوجدهای نظامی خود را در تاریخ موجودیتش یعنی ۶۰۰ هزار سرباز با ساز و برگ گند برای آنچه در جنگ دوم جهانی به اروپا فرستاد، به آن کشور کبیر کبیر دارد و ۳ رایی مجموع بمب های سراسر دوران جنگ جهانی در آن روی خاک ویتنام بریزد، پس از ختمسالد در این تغییر محسوس شرایط جهانی، جزات این گونه خنثالده را در ایران و نیکارا کوه از دست داد و توانست به شیوه های هشیگی با

بقیه از صفحه قبل

این گفتار به بهترین وجه، معرفی آن جنرال تبلیغاتی امپریالیستی است که زیر پوشش «خط کومیسو»، «خط شوروی»، سالانه صدها میلیارد دلار بودجه جنگی را به خلقهای جهان تحویل می‌کند و منابع غارتگری انحصاری جهان مستکن که از زیرگترین کشورهای غربی است، ارتجاع سیاه و با مستی‌ان، وابستگی تزلزل‌ناپذیر کشورهای درحال رشد به انحصارهای امپریالیستی راه مسلط می‌سازد.

در تابستان سال ۱۹۶۹ یعنی همان دورانی که سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا به‌طور محسوس در راه تشدید تنش‌های جهانی شتاب گرفت، وزیر دفاع آمریکا با روشی حیرت‌انگیزی این سیاست را در یک مجلده گوناگون توصیف کرد. آقای براون در یک مباحثه با مجله یونایتد استیتس نیوزاندولورپوریت اعلام کرد:

«من فکر می‌کنم که ما داریم از زخمی که برای جنگ ویتنام برداشتم، یعنی تشدید رقابت ضد جنگ، شفا می‌یابیم.

این گفتار روشن یک جنگطلب و تجاوزکار حرفه‌ای، یعنی همان فردی که گرداننده عمده حمله به طیس و کودتای نوژه در مینام و بعدها توطئه نظیر آن در سراسر جهان بوده، نشان می‌دهد که چگونه «مایل‌تندجنگ» مانند زخمی دردناک بر بدن غارتگران امپریالیست احساس می‌شود و می‌شود.

درست به همین علت است که خلق‌ها می‌دانند که نگهداری از صلح جهانی، تلاش در تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای جنبه‌زاد، تلاش برای شریک‌بازن به امپریالیسم و ارتجاع به صورت تسامح بی‌روزی جنبشهای رهایی‌بخش ملی در راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی در کشورهای محروم، تلاش برای ریشه کن کردن هرگونه وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی فرهنگی به امپریالیسم و وابسته‌ها به هرگونه تظاهر ارتجاع، همه و همه زخمهایی است که بر بدن نظام غارتگر محکوم به مرگ امپریالیستی و استعمارانو که آخرین تظاهر خارجی آن است، وارد می‌آید.

در دوران ما، دوران پیشرفت ظرفنون جنبه جهانی نیروهای ضد امپریالیستی است؛ دوران مسأ، دوران شکوفایی زرفنون اقتصاد و فرهنگ در کشورهای امپریالیستی و کشورهای آریزنده‌رسته‌ای است که راه رشد غیر سرمایه‌داری و یاسم‌گیری سوسیالیستی را برگزیده‌اند؛ دوران بیروزی هر روز به‌بهرتر و زرفنون جنبشهای رهایی‌بخش ملی با آماج روشن با یان‌بخشیدن به هرگونه تسلط و تجاوز نواستعمار و امپریالیستی است. دوران ما، دورانی است که توفیق قدرت نظامی سرکوبگر امپریالیسم جهانی یان یافته و ماجراجویی‌های محافل استیلاگر امپریالیستی هر روز بیشتر به‌شدیدتر و در مناطق مانده‌نشین، آفریقای پیش، ایران و افغانستان، مجازات می‌گردد. دوران جولاندهی غارتگران استعمارگر مدتها است سیری شده و هر روز که می‌گذرد امکانات جولاندهی این محافل محدودتر و محدودتر می‌شود.

حماست تحسین آفرین مبارزان راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی در ایران، منصفه‌دوختاش در تاریخ پراختار نبرد خلق‌های محروم جهان علیه استعمار و استعمار و عقب‌ماندگی کشوده است. مسأ مبارزان توده‌ای سر بلندی که در این حماست تاریخی خلق‌های مین‌مان شرکت فعال داشته و همیشه در اولین صفوف این نبرد تاریخی گام برداشته‌اند.

دور ویداد مهم در سیاست جهانی

در ارتباط با همه این مسائل جهانی بیجا است که به دور ویداد مهم دوران اخیر توجه ویژه‌یابیم. یکی انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و دیگری یکتت بیستوششم حزب کومیسوت اتحاد شوروی، با این دو رویداد واقعت و ماهیت دو دور شوروی متضاد در میدان سیاست جهانی پاروشتی‌خیره‌کننده‌ای در برابر چشم جهانیان قرار گرفت.

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا که در آن نماینده سیاست جنگ، تجاوز، تبعیض‌زادی، غارت ثروت‌های ملی میلیاردها سکنین کشورهای جهان-سوم، با کمی بیش از ۶۶ درصد آراء مردم آمریکا به کاخ سفید راه یافت، گویای این واقعت بود که امپریالیسم جهانی و در اسام امپریالیسم آمریکا با دشواری‌های کم‌ترسکنی که محصول انواع بحران‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است، دوربو گشته و تنها امیدش این است که با تشدید تنش‌های بین‌المللی، با توسل به شیوه‌های دوران جنگ‌سرد، با واگذاری تجاوزکارانه نظامی، با ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای برای متصرف کردن افکار عمومی، با توسعه هرچست بیشتر منافعه تسلطی، با تقویت نیروهای ارتجاعی در سراسر جهان جلوی سیل عظیم تاریخ را که بایه‌های سلطه جابرانه و غارتگرانه انحصارهای سرمایه‌داری را متزلزل ساخته و هر روز نکدای از این پایه راوریان می‌سازد، سد کند.

در برابر این رویداد، کتکته بیستوششم حزب کومیسوت اتحاد شوروی با استیلاست تزلزل‌ناپذیر این واقعت تاریخی را یکباردیگر تثبیت کرد که نظام

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

نوین سوسیالیستی، نظامی که گورکن سرمایه‌داری انحصاری است، هر روز با گام‌های استوار به‌سوی شکوفایی بیشتر و بیشتر پیش می‌رود، هیچگونه بحرانی تهدیدش نمی‌کند و جامعه کشورهای سوسیالیستی به نیروی تعیین‌کننده تحول آیند جهان ما، نیروی پاسدار و یکپار صلح جهانی، نیروی ترمزکننده تجاوزات امپریالیستی، نیروی پشتیبانی عظیم برسی خلق‌های که برای به‌دست آوردن استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی باخاسته‌اند، تبدیل گردیده است. در کتکته بیستوششم حزب کومیسوت اتحاد شوروی برنامه شکوفایی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورها را برای ۵ سال و ۱۰ سال آیند مورد نایید قرار گرفت. این برنامه حاکی است که در آیند نیز رشد و گسترش و شکوفایی جامعه سوسیالیستی و شوروی بدون وقفه و بدون بحران ادامه خواهد یافت و برتری نظام سوسیالیستی در جهان‌نظام بوسیده سرمایه‌داری پاروشتی بازم بیشتر در برابر چشم جهانیان قرار خواهد گرفت.

درست در مقابل این برنامه اطمینان‌بخش است که وضع اقتصادی درحال رکود و مناسبات اجتماعی و فرهنگی و معنوی درحال انحطاط جوامع سرمایه‌داری بیشتر به‌ششم می‌خورد. آمریکا و اروپای غربی و ژاپن و سایر کشورهای وابسته به امپریالیسم جهانی چیزی جز بحران‌های گوناگون در افق آیند جوامع خود عرضه نمی‌کنند. انحطاط اخلاقی و معنوی در این کشورها با شتاب سهمگینی رو به افزایش است و مانند طاعونی گسترش می‌یابد. در ایالات متحده آمریکا، کشور «رهبر» جهان امپریالیستی، درصد «تورم» در زمینه اشتیاد به مواد مخدر، زردی و جنایت و فحشاء و آهنگ تسلط مافیا بر ارگان‌های دولتی باشتایی بیش از تورم اقتصادی و افزایش بیکاری به‌ششم می‌فازد.

در ارتباط با جنبشهای رهایی‌بخش ملی، مقاومتی‌های ضد امپریالیستی در «جهان سوم» نیز این دو رویداد مظهر دو برخورد متضاد بودند. رئیس‌جمهور آمریکا بلافاصله پس از جلوس، بر تخت فرمانرانی، این جنبش‌ها و هرگونه مقاومتی را در برابر امپریالیسم هرگونه جهان با اتمام «تورم» مورد اوشانه‌ترین ناسواها قرار داد و به همه آن‌ها، از انقلاب ایران و افغانستان گرفته تا جنبش فلسطین و قیام اللوادور و قیامه اعلان جنگ داد و پشتیبانی بر بدیع خود را از سوسیونستی اسرائیل، ژانرستان آفریقای جنوبی، فلیسیت‌های شیلی و تمام رژیم‌های ارتجاعی جهان بیره اعلام داشت.

ولی در کتکته بیستوششم حزب کومیسوت اتحاد شوروی با موضع‌گیری کاملاً متضادی رویرو هستیم. در این کتکته، رهبران اتحاد شوروی در اینده پشتیبانی بر بدیع و همه‌جانبه خود را از همه جنبشهای رهایی‌بخش ملی در جهت تأمین استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی با قاطعیت تمام تأکید کردند. در مسئله حیاتی صلح جهانی و کاهش رخامت نیز با دورخورد کاملاً متضاد، اوجه هستیم. رئیس‌جمهور آمریکا برای ترمز کردن پیشرفت امرتشدادی، جنگ سرد جدیدی را آغاز می‌کند و تبه جنایت‌بارترین جنگ‌آزار برای اوردوی دسته‌جمعی مردم جهان، یعنی بمب ترونی را در دستور کار دولت خود قرار می‌دهد و می‌کوشد تا اروپای غربی را با شبکه‌های از موشک‌های اتمی مرگ‌آور بوشاند.

ولی در مقابل، «رهبری اتحاد شوروی در جهت پشتیبانی و تقویت روند تنش‌زدایی و رویروئی مردم جهان با تهدید جنگ اتمی جهانی پیششاده‌های جدیدی که حتی برای غرب هم غیرمنتظره بود، مطرح می‌نماید که طبق آن، منطقه آزاد از سلاح‌های اتمی باید از اروپای غربی تا تمام بخش اروپای اتحاد شوروی یعنی تا سرحد اورال گسترش یابد.

در ارتباط با انقلاب ایران، موضع‌گیری‌های رئیس‌جمهور آمریکا و رهبر اتحاد شوروی به‌طور چشم‌گیری بیان‌گر دو محتوای متضاد در اردوگاه جهانی، یعنی اردوگاه جهانی تجاوز و جنایت‌های امپریالیستی به‌سرکوبگر امپریالیسم آمریکا و اردوگاه سوسیالیستی خواهان صلح و دوستی و پیشرفت اجتماعی همه‌خلق‌ها است.

رئیس‌جمهور آمریکا که دانشجویان مسلمان بیرو خط‌ام را چنانکتار و آدسکت نامیده، در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ۱۳۵۹) درباره جمهوری اسلامی ایران چنین آرزایی می‌کند:

«قبل از هر چیز باید مشخص شود که آیا اصولاً در ایران دولتی وجود دارد؟ من مشخصاً به این موضوع شلدارم. من آرزو دارم که در ایران روشنفکران و سیاستمداران قابل‌سیکومت را در دست گیرند. آنوقت بله، من فکر می‌کنم که یک دلیل قانونی وجود داشت که ما با ایران بایوند برقرار کنیم... من شلدارم که هنوز هم آیت‌الله خمینی به‌عنوان رئیس حکومت تلقی شود...»

او در گفتار دیگری با زاین‌طور اظهار عقیده می‌کند: «من شلدارم که در ایران دولتی وجود داشته باشد. برای رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه‌روتری در ایران روی کار آیند.

این‌هاست آرزوهای‌های هنریشیه فیلم‌های «بزن یکتکی» هالیوود درباره انقلاب ایران! در برابر این آرزوهای، مواخکیری رهبر شوروی در گزارش به کتکته بیستوششم قرار می‌گیرد. گولید برزف در آمد خود در کتکته، در مورد انقلاب ایران چنین آرزوهای می‌کند:

«انقلاب ایران رویدادی بس مهم در حیات بین‌المللی دس‌سال‌های اخیر بود که دایره و ژوگ‌های خوبی است. انقلاب ایران با همه پیچیدگی‌ها و تناقضات خود، انقلابی است در اساس ضد امپریالیستی، هر چند ارتجاع داخلی و خارجی تلاش می‌ورزند تا ماهیت این انقلاب را در گم‌گول سازند. مردم ایران راه خاص خود را برای لی به آزادی و شکوفایی می‌یابند. ما از تصمیم قلب خواستار موفقیت مردم ایران در این راه هستیم و آمانده‌ای که مناسبات حسنه خود را با ایران بر پایه اصل برابری حقوق و طبعاً از راه اقدامات متقابل گسترش دهیم.

کمان می‌رود که این دانستنی است بدون شرح و احتیاج به هیچگونه تفسیری ندارد و نشان می‌دهد که کدام‌یکو دشمن سوکندخورده و آشتی‌ناپذیر و کدام نیرو پشتیبان بر بدیع انقلاب شکوهمند مین‌ماست.

بخش دوم

فعالیت رهبری حزب در فاصله میان پلنوم ۱۷۹۱۶

در گزارش هیئت اجراییه به پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی آرزوهای شده بود که دوران بین پلنوم شانزدهم و پلنوم شانزدهم یکی از طوفانی‌ترین دوره‌های مین‌ما بود. اکنون که دوسال از آن تاریخ می‌گذرد، می‌توان گفت که این آرزوهای برای دوسال گذشته هم در همه ابعاد ارزش خود را نگاه داشته است. واقعت این است که ما توانایی‌ترین امدار تاریخ کین-سال خود را می‌گذرانیم. ما شاهد آن هستیم که نظامی که مانند زلزله از هم فرو می‌ریزد و نطفه‌های نظامی تازه-به‌پدید می‌آید، می‌جان می‌گیرد. ما شاهد آن هستیم که نظامی برایه استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی استوار می‌شود و نیروی ژنشوریمان نو و کبه در دهه میلان‌های زندگی اجتماعی در جریان است.

حزب توده ایران دریدامد بیروزی انقلاب شکوهمند مین‌مان پس از تحمل ۳۰ سال-محرومیت و اختناق، دوباره امکان یافت فعالیت آزاد و قانونی خود را از سر گیرد. فعالیت دوران نوین حزب، در شرایطی بسیار دشوار آغاز گردید. امروز نتوانیم بگوئیم که با دقت گرفتن این شرایط استثنایی دشوار، نبرد مبارزان توده‌ای در این دوران دوساله در واقع یکی از درخشان‌ترین بخش‌های تاریخ ۴۰ ساله مبارزات حزب و ما تاریخ بیش از ۷۰ ساله مبارزات پیروان سوسیالیسم علمی، مبارزان آگاه راه طبقه کارگر ایران را تدوین کرده است.

هیشت سیاسی تمام نتوان خود را در راه اجرای همه‌جانبه رهنمودهای پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی به‌کار انداخت و اکنون نتیجه این تلاش را به‌طور مختصر در معرض بررسی پلنوم قرار می‌دهد.

۱. فعالیت سیاسی

فعالیت دوران جدید حزب ما در جوی بسیار نا-مساعد برای حزب، آغاز گردید. این جو به هیچوجه خلق‌الساعه نبود و در حقیقت محصول مجموعه عواملی بود که طی ۳۰ سال گذشته در جهت ایجاد پیش-داری‌های منفی، تردیدآمیز، غیر دوستانه تا حد دشمنانه نسبت به جامعه کشورهای سوسیالیستی و بویژه نسبت به اتحاد شوروی، نسبت به مازکیسم - لنینیسم به‌عنوان جنبش‌بینی‌نوی در جهان و در ارتباط با آنها نسبت به حزب ما در افکار عمومی مردم اثر گذاشته بودند. این‌جو محصول عوامل زیرین بود:

- تأثیر گمراه‌کننده ۶۰ سال‌تعلیقات‌ها را کین نظام وابسته و سرسریزه فرسک مالکان و کلان-سرمایه‌داران که دستگاه بزرگ خائن و من‌فروش‌خاندان پهلوی بر راس آن قرار داشت. این نظام که جنبش توده‌های ما را بزرگ‌ترین دشمن تاریخی خود

می‌دانست، در طی این مدت دراز در هر دوره به اندازه‌ای که در توانش بود برای بدنام کردن و سرکوب و دیشه‌کن‌ساختن این جنبش از همه جنبش‌های فرورکذار نکرد و به‌ویژه در ۲۵ سال پس از ۲۸ مرداد که با کتکته دستگاه جنبش سواک قدرت‌مسلطه را به‌دست آورد، این تلاش در همه زمینه‌ها به اوج خود رسید.

- تأثیر گمراه‌کننده ملی‌گرایان وابسته به سرمایه‌داری ملی یعنی بازمندگان جنبه ملی که به‌راه دکر مصدق پشت کرده و برای دفاع از سرمایه‌داری محبوبشان با امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه از در سازش درآمدند. این داروسته برای پوشاندن سازش و تسلیم سنگین خود و با استفاده از تریبون آزادی که در این زمینه رژیم سواک در اختیارش می‌گذاشته می‌کوشید مسئولیت سنگین خود را در کتکته جنبش ملی و فکده امپریالیستی سال‌های ۲۸-۳۲ پوشاند و آمریکا را از زیر ضربه اصلی به‌عنوان جانیکتار و دشمن شماره یک استقلال و آزادی مین‌ما خارج سازد و تمام مسئولیت کتکته ۲۸ مرداد را علیه آن خارج سازد متوجه‌کنند که صرف‌نظر از اشتباهاتش در دوران اول فعالیت دکر مصدق، در بحرانی‌ترین حاسم‌ترین-دوران یعنی در فاصله زمانی بین ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فعال‌ترین و موثرترین پشتیبان موضع جنبش ضد امپریالیستی دکر مصدق بود و درست به همین علت با کتکته ۲۸ مرداد آماج شدیدترین فشار سیاسی دستگاه سرسریزه رژیم کودتاجان قرار گرفت. کافی است کتکته شود که پس از ۲۸ مرداد، بیش از ۴ هزار نفر از افراد حزب توده ایران با زداشت شدند که از آنها ده‌ها نفر از اعداء و بقیه از چند سال تا چند ده سال در زندان‌های سواک ماندند. تعداد زندانیان و محکومین جنبه ملی از تعداد انکشتان دست هم تجاوز نکرد.

- وجود یک کومیسوت‌ستیزی دوگانه بسیار شدید یعنی کومیسوت‌ستیزی از دیدگاه مناسبات مذهبی و کومیسوت‌ستیزی از دیدگاه سرمایه‌داری که این خود بخشی به‌صورت کومیسوت‌ستیزی گروه‌های غرب‌بیزده تربیت شده و ساخته و پرداخته آمریکا و اروپای غربی و بخشی به‌طور ساده به‌صورت کومیسوت‌ستیزی اقتدار مرفه سرمایه‌داری متوسط و کوچک جامعه ایران تجلی می‌کرد.

- نفوذ مائوئیسم و افکار منحرف شبه‌مائوئیستی در قشر قبیل توجویی از نسل جوان مبارز ضد امپریالیست که به‌صورت یک شوروی‌ستیزی بیمارگون گسترش یافته و از همین دیدگاه، موضع‌نشاندهای علیه حزب توده ایران که به تبه سمت‌گیری‌های راست‌گین اترتاسیونالیستی‌اش پای‌بندی نشان می‌داد، اتخاذ کرده بودند. مبارزه اصولی حزب ما با موضع‌گیری‌های انحرافی و اشتباه‌انگیز این گروه‌ها در دوران اوج گیری جنبش انقلابی معاصر این دشمنی را به‌کینه‌آشتی‌ناپذیر رسانده بود.

... باید افزود که نقش خائنین و مردان ارتجاعی توده‌ای، چنانچه که در دوران اختناق از خود نشان دادند و همیشه تسلیم شدند وجه آنها که در منقلب مائوئیسم تسلط کردند و امروز در صفوف اول نیروهای ضد انقلابی گام می‌بازدند، در ایجاد این جو ناساعد برای حزب، تأثیر زیادی داشته است. - همه عوامل این جو ناساعد که باید به‌عنوان عامل دس‌گاری را که محصول اشتباهات ناحق ما در دوران سال‌های ۲۸-۳۲ یعنی در آغاز جنبش پیشی برای ملی کردن نفت است و نیز منصفه‌های ما در بخش از افراد رهبری و سازمان حزب پس از ۲۸ مرداد نشان دادند و کیمودها و نارسانه‌هایی که در دکر حزب ما در دوران سیاه اختناق تا سال ۱۳۵۱ وجود داشت و از آن‌جمله موفقیت سواک در مسلط شدن به بخش‌های سازمان مخفی حزب در این دوران را نشانده بود. در چنین جو ناساعده‌ای حزب ما دوران جدیدی فعالیت علمی و قانونی خود را آغاز کرد و امروز کمتر کسی هست که تردید داشته باشد که این فعالیت علمی در این دشواری‌ها و دشواری‌های تازه‌ای که طی این دوسال به‌پدید آمد، کامیاب‌های چشم‌گیری به‌دست آورده است.

در این میدان فعالیت، رهبری حزب کوشید، رهنمودهای دست و منطبق با واقعت انقلاب مین‌مان را درین ایام به‌بندی تزلزل‌ناپذیر به‌اسول، کارگزارش کامل دجریان عمل سیاسی خود پیاده کند. پلنوم شانزدهم چشم‌گیری عمده فعالیت سیاسی حزب را چنین تعیین کرده بود:

«اولین و مهم‌ترین وظیفه حزب ما در این زمینه (فعالیت سیاسی)، کوشش در این راه است که با همکاری همه‌جانبه با همه نیروهای راستین انقلابی خلق ما در درجه اول با نیروهای که تحت رهبری آیت‌الله خلیفه قرار دارند، نهال جوان بیروزی به‌بست آمده را، که با خون ده‌ها هزار مبارز قهرمان آبیاری شده است، تحکیم کند و این نهال را هر روز ریشه‌داتر و بارآورتر سازد.





سه  
خبر  
از  
مشهد

### اطلاعیه دادسرای انقلاب اسلامی مشهد :

## مرکز توطئه فتوایها تعطیل و دو فتوای محکوم به حبس و مصادره اموال شدند

## هر چه زودتر به دهات کود شیمیائی برسانید

بهار فرارسیده است و کارهای کشاورزی به سرعت و با شدت ادامه دارد. برای انجام درست و به موقع این کارها، در حال حاضر، نیاز جدی است که تا اولیا زمینهای موجود کنار کند و زمین باروری لازم را به دست آورد.

برای مقصود اول، نیاز حیاتی روستاها به سوخت و روغن موتور است، که ما بارها درباره آن مطلب نوشته ایم. اخیراً کمیته گزارش نمایندگان مجلس شورای اسلامی به کمیسیون امور کشاورزی مجلس، که از سفر نوروزی بازگشته بودند، نشان داد که تا چه اندازه این مسئله حادث است.

همینطور است مسئله کود شیمیائی و کمبود بسیار حد آن، که در اغلب نقاط شدیداً احساس میشود و لازم است که تدبیر فوری و قاطعی برای حل آن اندیشید.

برای آنکه بتوانیم محصول بیشتری بدست آوریم و از وارد کردن فرآوردههای زراعی تا حد امکان مستثنی گردیم، برای آنکه بتوانیم در این زمینه با محاصره اقتصادی میراثیسم آمریکا با کامیابی مقابله کنیم باید زمینهای زراعی خود را بارور سازیم. تا زمین کود وسیله مهم رسیدن به این هدف است. متأسفانه انواع مختلف کود شیمیائی بویژه اوره، که اکنون مورد نیاز است، در دسترس دهقانان نیست مطابق معمول، چون دست واسطهها و عمال واردکننده، سرمایه داران آلوی صفت هنوز کوتاه نشده، از این وضع آنها سودگزار میگردند. بعنوان مثال، برای سیستان یزد و اصفهان و چهار محل بختیاری شصت هزار تن کود شیمیائی مورد نیاز است. این نیاز بسیار جدی و حیاتی است و یک امر تجلی نیست. اما از این مقدار نیاز تاکنون تنها سه هزار تن کود برای این سه استان فرستاده شده، که بمثابة قطره است در برابر دریای نیازها. هم برای اربابان تولید و هم برای کوتاه کردن دست غارتگران بختگر و سودجو باید فوراً به این مسئله حیاتی توجه کرد و به آن هر چه زودتر با تامین گازوئیل و روغن موتور، اولویت داد.

امیدواری هر چه بیشتری در انتظار محاکمه تمام فتوایهای زالوافت و مصادره املاک آنها هستند. دهقانان ستمدیده، منطقه مشهد به حق خواستار واگذاری زمینهای مصادره شده به صاحبان اصلی این اراضی هستند، که همانا خود این مستضعفین واقعند. تعطیل مرکز فساد و توطئه های ضد انقلابی در استان خراسان یعنی اتحادیه کشاورزان مکانیزه را تمام دهقانان زحمتکش استان به فال نیک میگردند و امیدوارند که با مصادره انقلابی زمینهای فتوایها و استرداد آن به دهقانان زحمتکش، شاهد شکوفائی اقتصاد کشاورزی در استان خراسان باشند.

مورد اخیر از اسادات رضوی سه شرط پرداخت مال الاجاره موقوفه به اسادات و ملحقات و مضافات ۲۰۰ هکتار از اراضی استیجاری (حقوق استیجاری) و اعیانی و مستحقات مورد اجاره از اسادات رضوی به شرط پرداخت مال الاجاره موقوفه، به ملحقات اسادات و مستحقات و دو دستگاه تراکتور و دو حلقه جاه عمیق با صنایع و متعلقات به شرط تامین آب ساغ ۲۰ هکتاری.

۳- عمی رسنگار، فرزند براتعلی، متمم به شرکت در کله خرابم متمم ردیف ۱، محکوم به ۲/۵ سال حبس جنائی، درجه ۲ و مصادره ۶۰ هکتار از اراضی استیجاری (حقوق استیجاری) و اعیانی

حاشی درجه ۳، و مصادره یکصد هکتار از اراضی ملکی واقع در قدیو آباد باگافه و ملحقات و مضافات ۲۰۰ هکتار از اراضی استیجاری (حقوق استیجاری) و اعیانی و مستحقات مورد اجاره از اسادات رضوی به شرط پرداخت مال الاجاره موقوفه، به ملحقات اسادات و مستحقات و دو دستگاه تراکتور و دو حلقه جاه عمیق با صنایع و متعلقات به شرط تامین آب ساغ ۲۰ هکتاری.

دراغ گذشته، دادگاه انقلاب اسلامی مشهد، به ریاست حجت الاسلام صالحی مازندرانی برنده نظامی دوش از فتوایها و محاصره به حقوق کشاورزان را مورد بررسی قرار داد و رأی داد که: ۱- عمادالله کوهستانی، فرزند محمد، متمم به احیاء در حق مستضعفین منطقه و جبهه کردن زمینهای کشت شده، با بود کردن حاصل و حلقه به اهالی روستا، که نمک حیمی از اراذل و متارک در حلقه مسلحانه و پروکان گیری و تهاجم به افراد ساده باسداران، جفا دزدانگی، حواصردان باسگا و ایجاد رعب و وحشت برای اهالی و ایجاد شرب و شتم مقامات و شروع به قتل، محکوم به بیع مال حسن

## فتوای ستمگر روستای «سورن» و اطراف در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد محاکمه شد

امکانات زندگی برخوردارند و بهر مند بودند، ولی همین طبقه بر یکمده مردم محروم، ستم کشیده در طول سالیان دراز حکومت میگردند. غدهای از دهقانان زحمتکش روستای سورن و اطراف، که سالهای دراز تحت ستم این مالک زورگرو بودند، در جلسه متمم، هربک از دهقانان، که شاهد های تحت ستم مالک بودند، شهادت دادند. دهقانان در شهادت های خود از اسالها ظلم و ستم بزرگ مالک متمم یاد کردند.

و مکتب امیر موسان علی علیه السلام یک مسئله بسیار روشن و ساده ای است، ولی متأسفانه در طول قرون ملت محروم و رنج کشیده برای خاطر مسئله زمین مسئله مسکن و مسائل انسانی و ضروری و حیاتی - شان چه رنجها که نگشاید و دو جمعیلی ها که نخوردند.

وی در باره ستمگری های مالکان توضیح داد: "غالبا خان یعنی خائن طبقه فتوای، طبقه ای که خودش از تمام

تصرف ۹۵ درصد زمین های روستای سورن و غیره است. این فتوای، علاوه بر روستای سورن، در دیگر روستاهای اطراف نیز زمین های زیادی دارد. ارجحه وی در روستای خلق آباد ۱۰۲ هکتار زمین دارد. هم چنین در چند روستای بخش چناران، صاحب زمین های زیادی است.

رئیس دادگاه در باره مسئله زمین گفت: "من تعجب می کنم از اینکه مسئله زمین که از دیدگاه اسلام و قرآن مجید

ماه گذشته، دادگاه انقلاب اسلامی مشهد، مهدی اربابی یکی از فتوایهای های زورگرو ستمگر این منطقه را به پای میز محاکمه کشید. ریاست دادگاه را حجت الاسلام صالحی مازندرانی بمده داشت. در کفرخواست فتوای مزبور آمده است که او متمم به بار عات و تهدید کشاورزان و اجحاف به حقوق مسلم آن ها و نبودن حقوق واقعی به آنان، استعمار کشاورزان منطقه و اوار نمودن آن ها به ترک قریه سورن، نجاشی و ارباد صدمه بدنی به چند نفر از روستاییان

کرده است. در این اطلاعیه از کشاورزان خواسته شد که است که از این بی جهت حل اختلافات ارضی خود، بعد اسداری انقلاب مراجعه کنند. این هیئت در اطلاعیه خود از کشاورزان درخواست کرده است که در امر تولید محصولات مورد نیاز کوشا باشند.

نظارت بر امر کشت و رسیدگی به مشکلات دهقانان بوده است. در سابق شورای کتت به طور عمده توسط جهاد سازندگی و هیئت هفت نفری اداره می شد، اما حالا وظایف آن به دادرسی انقلاب واگذار شده است. در این زمینه هیئت واگذاری واحای اراضی مرکز مشهد، اطلاعیه ای صادر

شورای کتت خراسان، در اوائل مهر ماه سال ۵۹، برای نظارت، بر کتت پاییزه در استان خراسان تشکیل شد. این شورا تحت فشارهای بعضی از عناصر، که عملکرد آن را در جهت منافع خود نمی دیدند، در اوایل دی ماه سال گذشته منحل اعلام شد. از جمله وظایف این شورا در سابق،

## دراثر تصمیمات بعضی از عناصر شورای کشت خراسان منحل اعلام شد

امام خمینی: به کشاورزان  
بگوئید ما نه نظر ثنار فتوای  
هستیم نه نظر ثنار سرمایه داران.

## گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

فقط با خرید عادلانه محصولات کشاورزی  
و رفع مشکلات دهقانان است  
که میتوان آنها را به کشت محصولات  
ضرور و اساسی تشویق کرد

مبارزان توده ای در همه زمینه ها از کار برای نشر نظریات حزب در جامعه و فداکاری مالمی و جمع آوری کمک برای حزب گرفته تا جان بازی برای پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در جبهه های جنگ از خود گذشتگی و فعالیت و ابتکار کم نظیری از خود نشان داده و می دهند و بدون تردید همین تلاش فداکارانه عموم افراد حزب یکی از عمده ترین عناصر تمین کننده در مجموعه کامیابی های حزب است.

بازارهای آمریکاستانه، در جهت تسهیل تفرقه و تشنج در واحدهای صنعتی عمل می کنند. با کمال تأسف هنوز زحمتکشان کشور ما با وجودی که در زندگی روزمره، در مبارزه برای بدست آوردن مطالبات به حق خود، با دشواری های گوناگون روبرو هستند و لزوم ایجاد سازمان های مستقل سنغی خود را احساس می کنند، در اکثر موارد نتوانسته اند بر این سد مصنوعی که عملکرد هر سه شان در جهت مخالف منافع محرومان جامعه یعنی زحمتکشان شبر و روستا است، چیره شوند.

فعالیت حزب توده ایران در زمینه کار توده ای در این جهت بوده است که در چهارچوب امکانات خود از راه توضیح و افشاکری، به زحمتکشان ایران در همه بخش های اجتماعی یعنی در میان دهقانان، کارگران، کارکنان موسسات دولتی و خدمات، زحمتکشان استان تولیدی و توزیمی و جوانان و زنان، دانش آموزان و دانشجویان و فرهنگیان، هنرمندان و نویسندگان و روشنفکران زحمتکش کمک کند تا بر این دشواری ها چیره شوند و سازمانهای مستقل خود را برپا ریزی کنند. در این چهارچوب باید به فعالیت قابل توجه زنان حزب در تهیه فعالیت زنان در راه بدست آوردن حقوق زن در جامعه و فعالیت جوانان حزب، در گسترش فعالیت سازمان جوانان و دانشجویان مودکرات که در سال گذشته به سازمان جوانان توده ایران پیوست و همچنین به فعالیت فعالین حزب ما در میان دهقانان اشاره کنیم.

اخیرا اداره کل کشاورزی استان سمنان، طی اطلاعیه ای، از کشاورزان روستاهای این استان خواسته است که برای قطع وابستگی از امپریالیسم و نپل به خود کفایی، از کشت محصولات غیر ضرور مانند: خربزه، هندوانه و ... خودداری کنند و به کشت محصولات مورد احتیاج بیشتر ضرور مانند: گندم، جو، حبوبات، پنبه، علوفه و غیره مری و آورند. در این زمینه باید گفت که اراضی روستاهای این استان برای کشت محصولات ضرور و اساسی کاملاً مناسب است. در گذشته این استان یکی از مناطق پنبه خیز ایران بوده است. اکنون میزان تولید محصولات ضرور نسبت به گذشته کمتر است. دلیل این کاهش، عدم خرید عادلانه محصولات دهقانان از جانب دولت و نبود وجود مشکلات دیگر مانند: کمبود و نبود آب، کود، عدم پرداخت

می توان امیدوار بود که پیشرفت روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، ضرورت رویارویی با دشواریهای ناشی از گسترش مبارزه تاریخی با عوامل ضد انقلاب، ضرورت تحکیم اتحاد و وحدت عمل همه نیروهای راستین هوادار انقلاب در این مبارزه و رشد شناخت و اقیامت برپا به تجربه های گرانمایه نبرد انقلابی، راه را برای پیرو شدن زحمتکشان بر این دشواریها هموار خواهد کرد.

سپاس از مبارزان توده ای  
یکی از درخشان ترین ویژگیهای فعالیت حزب، در دوران پس از پیروزی انقلاب، شور انقلابی کم نظیری مبارزان توده ای در تمام سطوح فعالیت حزب است، از هواداران و افراد ساده حزب گرفته تا مسئولین مرکزی.

بقیه از صفحه ۹  
وجه های آمریکاستانه، در جهت تسهیل تفرقه و تشنج در واحدهای صنعتی عمل می کنند. با کمال تأسف هنوز زحمتکشان کشور ما با وجودی که در زندگی روزمره، در مبارزه برای بدست آوردن مطالبات به حق خود، با دشواری های گوناگون روبرو هستند و لزوم ایجاد سازمان های مستقل سنغی خود را احساس می کنند، در اکثر موارد نتوانسته اند بر این سد مصنوعی که عملکرد هر سه شان در جهت مخالف منافع محرومان جامعه یعنی زحمتکشان شبر و روستا است، چیره شوند.

رقای عزیز این بود گزارش فعالیت هیئت سیاسی کمیته مرکزی در رسال گذشته.



### کمک مردم سراب به جنگ زدگان

مردم سراب مبلغ ۲۲ هزار تومان کمک مالی برای موبغان جنگ‌زده جمع‌آوری کردند و روز ۴ فروردین ۶۰ به مناطق جنگ‌زده فرستادند. مردم سراب قبلاً نیز چند کامیون لوازم‌خانه، لباس و مواد غذایی بسیاری جنگ‌زدگان فرستاده‌اند. همچنین اعضاء و هواداران حزب توده ایران در سراب نیز با تحویل دادن تعدادی پتو، چرخاغ خوراکی و کتری به ستاد جمع‌آوری کمک به جنگ‌زدگان، در این اقدام شرکت کردند.

### کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

ابراهیم زشیراز ۵۰۰۰ ریال  
چواد زا قلنکی ۱۵۴۰ ریال  
مریم از فروش گل ۳۰۰۰ ریال  
همس شهید کیخسروی ۱۰۰۰۰ ریال  
هدیه عروسی مینا و همسرش یک نیم سکه طلا  
سامان نمکی از اراک ۱۰۰۰ ریال

علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را با حساب بانکی به نام تقی کی‌مکش و به شماره ۲۳۳۲ شنبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شبه‌مدخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

### نامه مرموز

آنگان مرکزی خبر، تهران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM  
No. 483  
11 April 1981

Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۲۵۵۱/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

## خلق بولیوی بر ای سرنگونی «خونتا» به مبارزه ادامه میدهد

«خونتا» بولیوی هر چه بیشتر بر بی‌ایالتی خود را بشوید می‌رساند

«خونتا» نظامی بولیوی، که با کودتای خونین ۲۶ تیر ۱۳۵۹ (۱۷ ژوئیه ۱۹۸۰) حکومت را بدست گرفت، بخلاف آنچه بارها ادعا کرده است، هیچ‌زوی «توانایی حکومت» را نیافته است. بحران اقتصادی کشور به اوج خود رسیده است، تظاهرات اجتماعی گماکان عمیق می‌گردد، نیروهای پیشرفت جو بیگرم می‌شوند، دانشگاهها همچنان تعطیل هستند، شبها مقررات منع عبور و مرور برقرار است و بولیوی، از نظر سیاست خارجی، در انفراد پس می‌رود. اکثریت مطلق مردم بولیوی به مخالفت با رژیم برخاسته‌اند.

توسل «خونتا» به ضد کمونیسم برای سرپوشی شکست خود

ژنرال لوئیس گارسایاسا و دادرسته او، برای آنکه بی‌برنامگی و شکست خود را بپوشانند، به شعارهای ناسیونالیستی و ضد کمونیستی توسل می‌جویند. فرمانروایان کنونی بولیوی حتی اشخاص و نهادهایی را، که هیچ‌زوی برجسپ مارکسیست - لنینیستی بر آنها نمی‌چسبید، «توطئه‌گران کمونیستی» می‌خوانند. قانون امنیتی ویژه برای بیگرم‌دخلفان رژیم، بعنوان «قوانین به صحنه» برپا شده است. تشکیل «دولت وحدت ملی»، که نماینده «اتحادیه دمکراتیک خلق» (برنده انتخابات تابستان ۱۳۵۹) است، به مهم‌ترین مسئله برای «خونتا» تبدیل گردیده است. این دولت، بر رهبری هرنان سیلس زوروا، فعالیت‌های زیرزمینی خود را آغاز کرده و شبی نیست که اعلامیه‌های آن زیر در خانه‌ها انداخته نشود.

اتحاد وسیع نیروها برای بازگشت سریع به دمکراسی

دولت نامبرده، که قانونا می‌بایست بجای «خونتا» در «پالاسیو کوماندو» در لاپاس حکومت کند، طیف وسیعی از نیروهای سیاسی بولیوی را دربر می‌گیرد. دولت زیرزمینی حتی از پشتیبانی کسانی بهره‌مند می‌شود که زمانی در بلوک بورژوازی ملی بودند. فرمانرواگونوزالی، سختگوی دولت هرنان سیلس زوروا، چندی پیش در کانادا اعلام داشت که خلق بولیوی خواستار بازگشت هر چه زودتر به دمکراسی است. بگفته ری، بهمین دلیل «دولت وحدت ملی» هدف خود را همکاری با همه نیروهای تعیین کرده است، که خواهان بولیوی باثبات، مستقل و دمکراتیک هستند.

دولت ژنرال مسا در صحنه جهانی نیز از مقاومت مردم گسترش می‌یابد

بدین ترتیب، شکست‌ناپذیر نیست که مقاومت مردم بولیوی وسعت می‌یابد. «فدراسیون ملی مردم» کارگران را فراخوانده است، تا علیه سرپرستان دولتی سندیکاها به مبارزه بپردازند. چنانکه سیون‌دریس، معاون دبیر اجرایی «و. پ.» (دکانون سندیکایی بولیوی) و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بولیوی، که بر اثر اعتراض گسترده جهانیان از بند «خونتا» آزاد شد، چندی پیش در پاریس اعلام کرد، رژیم نظامی با دشواری‌ها، فوق‌العاده‌ای روبروست. وی گفت که، از سوی دیگر، خلق بولیوی همچنان به مقاومت راسخ خود علیه این رژیم ادامه میدهد.

توسط نیروهای دولتی:

۱۵۰۰ تن از مردم السالوادور در یک غار قتل‌عام شدند



لئونید پرژوف در دیدار با رهبران حزب کمونیست چکسلواکی:

کشورهای سوسیالیستی در شرایط نیرومندی رو آرزو شده‌اند

دربارین دیدار هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به ریاست لئونید پرژوف، با رهبران حزب کمونیست چکسلواکی، لئونید پرژوف اظهار داشت: «کشورهای سوسیالیستی سالهای ۸۰ را نیرومندتر از همه وقت آغاز میکنند. از سوی دیگر وظایف آنان نیز، بسویوسه در زمینه اقتصادی، جدی‌تر شده است.» دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی تأکید کرد: «در این زمینه، همه چیز به افزایش کارآئی تولید کارآئی تولید و فرا گرفتن روش بهتر اداره امور اقتصادی بستگی

اعتبار زیادی برخوردار نیست. اعضاء «سازمان یپان آنه» (وزارتلا، کلیلیا، اکوادور و پسر)، کم و بیش، به این دولت بی‌اعتنایی می‌کنند. در این زمینه، خروج چندی پیش بولیوی از این اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای بسیار جلب نظر کرد.

انفراد رژیم بولیوی در صحنه سیاست بین‌المللی

این تصمیم «خونتا» هنگامی اتخاذ گشت که از ژنرال مسا برای شرکت در کنفرانس سران کشورهای آمریکای لاتین در سانتامارتا (کلیلیا)، بنامست صنوبرنجاهمین سالگرد زادروز سیون بولیوی دعوت بعمل نیامد. کشورهای «یپان آنه» خلیا پیش، یعنی در ۷ مرداد ۱۳۵۹ (۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰)، کودتای نظامی را علیه دولت قانونی بولیوی بشدت محکوم کردند. یادآور می‌شویم که چهار سال پیش نیز شبلی این بیان را ترک گفت، تا از اینراه مقید به مقررات محدودکننده سازمان نامبرده در برابر انحصارات بین‌المللی نباشد و درهای کشور را بسوی کنسرنهای چپاولگر خارجی بگشاید.

بولیوی، علیرغم آنکه دارای منابع طبیعی پس غنی است، از نظر اقتصادی، به سطح پایین تریز یافته است. صادرات نفت از منطقه استوایی سانتاکروز قطع شده و بحران عمیق صنایع استخراجی و قلع را فرا گرفته است. بولیوی با جمعیت ۵۰ میلیون و بدهی ۳۰ میلیارد دلاری خود به خارج در آمریکای جنوبی، از این حیث، در مقام نخست قرار دارد. بازپرداخت سالیانه این بدهی از درآمدهای صادراتی بولیوی متجاوز است. اقتصاد بولیوی در رکود فرو رفته و سطح زندگی در این کشور آنقدر که بمنزله فقیرترین کشور شبه‌قاره به‌شمار می‌آید، همواره روبه تنزل است.

مقاومت مردم گسترش می‌یابد

بدین ترتیب، شکست‌ناپذیر نیست که مقاومت مردم بولیوی وسعت می‌یابد. «فدراسیون ملی مردم» کارگران را فراخوانده است، تا علیه سرپرستان دولتی سندیکاها به مبارزه بپردازند. چنانکه سیون‌دریس، معاون دبیر اجرایی «و. پ.» (دکانون سندیکایی بولیوی) و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بولیوی، که بر اثر اعتراض گسترده جهانیان از بند «خونتا» آزاد شد، چندی پیش در پاریس اعلام کرد، رژیم نظامی با دشواری‌ها، فوق‌العاده‌ای روبروست. وی گفت که، از سوی دیگر، خلق بولیوی همچنان به مقاومت راسخ خود علیه این رژیم ادامه میدهد.

توسط نیروهای دولتی:

۱۵۰۰ تن از مردم السالوادور در یک غار قتل‌عام شدند

در حمله نیروهای دولتی السالوادور به عمدی از اهل این کشور که قصد پناهندگی به کشور هندوراس را داشتند، ۱۵۰۰ نفر کشته شدند. در این عملیات که با همکاری نظامیان هندوراس و زیر نظر مشاوران نظامی آمریکائی صورت گرفت، غاری که مردم به آن پناه برده بودند، مورد حمله هوایی قرار گرفت. نظامیان السالوادور قبل از بمباران، غار مزبور را منفجر کرده بودند. بدینسان این حمله اعلام شد که هیچیک از کسانی که درون غار مارا گرفته بودند، از این حمله جان سالم بدر نبردند.

دیدار وزرای خارجه مجارستان و اتحاد شوروی

فدریک گویا وزیر خارجه مجارستان با آندره گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد.

در این مذاکرات پیشنهادهای بیست و ششمین کنفرانس کمونیست اتحاد شوروی درباره تقویت بیش از پیش روند تنش‌ها و قطع مسابقه تسلیحاتی مورد بررسی قرار گرفت. طرفین در این مذاکره رضایت خود را از چگونگی گسترش سیاست دوجانبه مجارستان و شوروی ابراز داشتند.

### در مطبوعات کشور

## احتضار امپریالیسم

«در هر جامعه‌ای بطور محسوس و مشهود دو طبقه اصلی وجود دارد که به اصطلاح «استعمارگر» و «استعمارزده» تقسیم میشوند. کارگران و اقشار میانی جامعه و قسمت‌های تحتانی از بودورگراسی عظیم جامعه آمریکائی نیز بلحاظ جامعه‌شناسانه، در تقسیم‌بندی اجتماعی «مستعمرین مادی» قرار می‌گیرند، قلب استکبار نیز مرکب از مسامداران «وال استریته» و «لالان بین‌المللی» صاحبان و شرکاء کمانی‌ها و کارتل‌ها و تراست‌های عظیم جهانیست. ملاحظه میشود که با هر خلغید از امپریالیسم که در گوشه‌ای از جهان صورت می‌گیرد، خوراک لازم برای این ازدهای عظیم خوردنده، کمتر و کمتر خواهد شد، لذا اگر انقلابات جهانی بر علیه سلطه استعماری آمریکا موفق به استقلال و رهایی‌شوند، و امپریالیسم رفته‌رفته دیگر دستش از منابع مادی و اقتصادی جهان قطع شود، بطور حتم مستعمرین و محرومین و اقشار و طبقات پائین جامعه به حرکت درآمده و به سرنگونی نظام رژیم حاکم نائل خواهند شد.

(چهارم آسمانی - ۱۹ فروردین ۶۰)

## حمله رژیم صدام، توطئه آمریکاست

«امروز هر چه یک آزما پوشیده نیست که حمله رژیم عراق به ایران در ادامه سلسله تاختهای آمریکا برای بنزاد آوردن انقلاب شکوهمند اسلامی ما اجرا شده است. اکنون شما از هر کسی که بخواهد سؤال کنید که چرا عراق به ایران حمله کرد؟ بلافاصله پاسخ می‌شنوید که آمریکا بعد از شکست مقتضاجانش در حمله نظامی به طیس و شکست کودتای آمریکائی و نیز ناموفق ماندن حرکات ماجراجویانه‌اش در مناطق مختلف ایران، عراق را ترغیب به حمله علیه ایران کرد، تا بدینوسیله شره نهایی را بر بیکر انقلاب وارد آورد.

(کیهان - ۱۸ فروردین ۶۰)

## در عمل بسود محرومان

«همه می‌گویند و می‌گویند: بله، درست است. سخنان رهبر انقلاب کاملاً قابل قبول و تصدیق است. همه می‌گویند و می‌گویند که واقعا انقلاب اسلامی ما محرومان طبقه محروم است و واقعا هم دیک موی کودکان و محرومان بر همه کاتختینان ترجیح دارد... اکنون با این مقدمات باید همه ما - چه افراد عادی و چه دولتمردان، و کلا و مسئولین و روسا از خویش پرسیم که: آیا فقط در احساس و در یافت و برداشت و اظهار نظر باید چنین باشیم، چنین موضعی می‌گیریم؟ در باره محرومین، مومن و فداکار و استقامت‌گرا و استعمارگران داشته باشیم یا باید این احساس در افعال ما نیز تجلی کند؟ وکلای محترم مجلس شورای اسلامی باید از خود پرسند و می‌پرسند و علی‌الاصول چنین است که: آیا از شدات امام و آن موضع‌گیری‌های مورد تصدیق صرفا باید در حد احساس به مانند نقل شود و یا باید فردا فرد ما در تصویب قوانین مجلس و در عمل درای وکلای محترم نیز تجلی شود... اگر بپذیریم که محتوای عبارت دیک موی این کودکان و محرومین بر همه کاتختینان ترجیح دارد به همان معنای عام، یک قانون و یک فلسفه قانون است، این‌ها هم می‌پذیریم که در عمل نیز باید چنین باشد.

(اطلاعات - ۱۸ فروردین ۶۰)

## نغمه آمریکائی

«توطئه‌ای که برای جدائی بین‌برادران شیعه و سنی تیبه دیده‌شد، یک نغمه آمریکائی است و ما باید این توطئه را با هشیاری کامل چون دسیسه‌های دیگر دشمن نقش بر آب کنیم.» (حجت‌الاسلام خاهاهی - کیهان - ۱۸ فروردین ۶۰)

روزنامه آمریکائی فاش کرد:

## آمریکا قصد بمباران ایران را داشت

یک روزنامه آمریکائی فاش کرد که آمریکا قصد داشت بمباران را در این عملیات شرکت کند، در منطقه تهران یادشوند، پاکامه های نیروی هوایی ایران را بمباران کنند و جزیره خلرگ را در خلیج فارس به تصرف در آورند. فاش‌توجه است که مدارکات توطئه تجاروی امپریالیسم آمریکا در شرایط انجام می‌گرفت که «کاخ سفید» و عمالشان با یکبار بستن ترندهای سیاسی سعی داشتند اینطور وانمود کنند که آمریکا مایل است تا مسائل موجود از طریق مسالمت‌آمیز حل شود.